

## نقش حوزه‌های علمیه در حیات و استمرار تمدن اسلامی

یونس غفاری پور

دانشآموخته حوزه علمیه اصفهان و دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی، گرایش تاریخ و تمدن

y90185298@gmail.com

### چکیده

پی‌جوئی نقش حوزه علمیه در حیات و استمرار دین، گاه در ساحت آموزه‌ها و تعالیم، و به عبارتی «درون دینی» است و گاه در ساحت آثار و پیامدها یا «برون دینی». در نگاه برون دینی یا به افراد می‌نگریم و یا نگاه ما معطوف به جامعه است. اما آثار دین در جامعه یا ناظر به روح و فرهنگ، و به عبارتی نرم افزاری است و یا ناظر به ظواهر و کالبد جامعه یا سخت افزاری است. سخن از تمدن اسلامی و نقش حوزه‌های علمیه در حیات و استمرار آن در واقع سخن از نقش حوزه در پیامدها و آثار ظاهری دین در جامعه است. بنابراین، این نوشه به دنبال آن است که با تشریح ابعاد تمدن اسلامی چگونگی تأثیر حوزه‌های علمیه بر آن را کشف نموده و نمونه‌هایی از آن را در طول تاریخ سراغ بگیرد. برای این منظور، نقش حوزه‌های علمیه در سه نظام اساسی تمدنی یعنی نظام فرهنگی، نظام سیاسی و نظام اقتصادی مورد گفتگو قرار خواهد گرفت و علاوه بر تحلیل چگونگی ارتباط، نمونه‌هایی برای وجود ارتباط وثیق بین حوزه و اجزای تشکیل دهنده تمدن اسلامی ارائه خواهد شد.

**واژگان کلیدی:** حوزه، علمیه، اسلام، تمدن، حیات

Younos ghaffari pour<sup>1</sup>

1. PhD student, University Baqer aloloum Qom, Iran

### Abstract

I traced to the Seminary and continued faith in life , sometimes in the realm of doctrine and teachings , and the phrase " Drvndyn " and sometimes the trends and consequences of " Brvndyny ." In the eyes of faith or people look out or we look toward the community. But the spirit and culture of religion in society or supervisor , ie software or hardware related to the appearance of the body or community . Speaking of Islamic civilization and its continuing role of seminaries in life and actually talk about the role of religion in society is to look at the consequences and effects . So , this is followed by a description of how the seminaries of Islamic civilization to discover it and to see examples of it throughout history . To this end , the role of seminaries in three basic systems of civilization, the cultural, political and economic systems will be discussed and further analyze how examples are deeply connected to the area and will provide components of Islamic civilization .

## ۱- مقدمه

با غیبت امام زمان، تبیین و تبلیغ مبانی و معارف دینی را انسان‌هایی عهددار شدند که به مصدق آیه شریفه «فَلَوْ لَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلَيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» (توبه ۱۲۲) خود را برای این مخاطره عظیم مبعوث نموده و نسل به نسل سینه‌های خود را چونان صدفی برای حفظ و انتقال آن گوهر ناب آماده کرده، تا اکنون پس از چهارده قرن، این در ثمین را هم چنان بی هیچ کم و کاست عرضه کنند و حجت خداوند بر ما باشند همانگونه که ائمه هدات برای ایشان حجتند.<sup>۱</sup>

اما بسته‌ی که این عالمان وارسته را در خود پروراند و آماده این جهاد عظیم ساخت جائی نبود جز حوزه‌های علمیه، همانجایی که بنیان آن را ائمه اطهار نهادند و از آن زمان تا عصر حاضر به حیات پر شمر خود ادامه داده و منشأ خیرات و برکات عظیمی برای اسلام و مسلمانان بوده است.

نقش حوزه‌های علمیه به عنوان سازمان روحانیت در گسترش و ترویج دین و آموزه‌های آن به اندازه‌ای آشکار است که به بیان استاد مطهری: «کسانی که آرزوی اعتلای آیین مبین اسلام را در سر دارند و درباره علل ترقی و انجساط مسلمین در گذشته دور و نزدیک می‌اندیشند، نمی‌توانند درباره دستگاه رهبری آن یعنی سازمان مقدس روحانیت نیندیشند.» (مطهری، ۱۳۵۸: ج ۲۴، ص ۴۸۳)

سخن، راجع به حوزه علمیه و اثرات آن، کم و بیش رانده شده است؛ برخی حوزه را معرفی نموده‌اند (سید کباری، سید علیرضا). حوزه‌های علمیه شیعه در گستره جهان، تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر). و برخی کارکردهای آن را بیان داشته‌اند (گروه مؤلفان. ۱۳۹۰: ش). حوزه علمیه، تاریخ، ساختار، کارکرد، تهران: نشر کتاب مرجع). برخی نیز به تاریخچه حوزه‌های علمیه اشاره کرده و حتی ساختمان‌ها و مدارس را مورد بررسی قرار داده‌اند (سلطان‌زاده، حسین. ۱۳۶۴: ش). تاریخ مدارس ایران از عهد باستان تا تأسیس دارالفنون، تهران: انتشارات آگاه). همچنین تحقیقات متعدد و متکثری پیرامون عالمان دین که در واقع خروجی‌های حوزه علمیه هستند، و حوزه‌های علمیه به طور مجزا انجام شده است.<sup>۲</sup> راجع به تأثیرات تمدنی حوزه نیز گفتگوهایی به صورت اجمالی یافت شد اما راجع به اثرات حوزه در تمدن اسلامی نگاشته‌ای به دست نیامد. (رک: آئینه‌وند، صادق. [ابی تا]، حوزه و نقش بایسته آن در تمدن اسلامی. نشریه پژوهش و حوزه. سال چهارم، شماره ۱۵)

البته موضوع تمدن و اثرات تمدنی حوزه موضوع جدید و مستحدثی را مورد اشاره قرار نمی‌دهد بلکه نگاه به کارکردهای حوزه از منظری نو و در واقع منظر تمدنی را طلب می‌کند.

از سوی دیگر باید در نظر داشت حوزه علمیه موضوع وسیعی است و مصاديق متعددی را شامل می‌شود و حق این است که برای بررسی کامل آثار تمدنی حوزه علمیه مصاديق آن یک به یک مورد بررسی و تدقیق قرار بگیرد. اما آنچه که در این مختصر بدان می‌توان اشاره کرد بیان نمونه‌هایی در تأیید اثرباری نهاد حوزه بر حفظ حیات و استمرار تمدن اسلامی و بررسی اجمالی کیفیت و چگونگی این تأثیر است.

۱. اشاره به توقع مبارک: وَ أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجَعُوا فِيهَا إِلَى رُوَاهَ حَدِيثَنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ (صدق، ۱۳۵۹)

ج ۲، ص ۴۸۴)

۲. به عنوان نمونه به موارد زیر اشاره می‌گردد:

ریشه‌ها و جلوه‌های تشیع و حوزه علمیه اصفهان در طول تاریخ ، تاریخ فقه و فقها ، حوزه علمیه قم عبور از مشروطه و اقبال به حکومت اسلامی ، روحانیون و پویایی فرهنگی ملت ایران ، حوزه نجف داشته‌ها و بایسته‌ها ، علمای جبل عامل در دولت صفویه، بررسی تاریخ حوزه علمیه حله ، درآمدی بر مشارکت علماء در ساختار دولت صفوی، حوزه علمیه خراسان در گذر تاریخ ، قیام شیخ محمد خیابانی در تبریز ،

## ۲- حوزه‌های علمیه

در لغت عرب، حوزه به معنای ناحیه آمده (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۵، ص ۳۴۲) و حوزه‌الاسلام به معنای حدود و ثغور نواحی اسلامی است. قدمت علم و علم آموزی در اسلام به اندازه خود اسلام است، اما حوزه علمیه عنوانی متأخر برای سازمان‌ها، نهادها و مراکز آموزش نظاممند علوم دینی در میان شیعه امامیه است. (گروه مؤلفان، ۱۳۹۰: ص پنج) بنابراین، اگرچه حوزه علمیه در مقاطع گوناگون، محل آموزش علوم متعدد و متکثري بوده است، اما اشتراک و قوام آن به علوم دینی است، بنابراین واکاوی تشکیلات حوزه‌های علمیه ما را به وجود سه کن گریز ناپذیر در سازمان حوزه علمیه می‌رساند؛<sup>۱</sup> اصالت متون دینی،<sup>۲</sup> عالمان عامل و<sup>۳</sup> شیوه‌ها و روش‌های منضبط. از طرفی پیشینه حوزه علمیه و در واقع، تاریخ آموزش علوم دینی در دو مقطع پیش از غیبت و پس از آن قابل بررسی است؛ مقطع اول را می‌توان از زمان نبی مکرم اسلام پی‌جست، گذشته از تبلیغات پیامبر در خانه خود، شاید به گفته برخی بتوان نشسته‌های پنهانی خانه ارقم<sup>۱</sup> در مکه را، اولین مجالس تعلیم و تبلیغ معارف دینی دانست. (کمالی سرپلی، ۱۳۸۸: ص ۶۰) نیز اولین مکان رسمی آموزشی در اسلام را، مسجدالنبی<sup>۲</sup> دانسته‌اند. (پسندیده، ۱۳۵۸: ج ۱، ص ۳۷، کمالی سرپلی، ۱۳۸۸: ص ۶۱) تدبیر پیامبر<sup>۳</sup> علم آموزی و به خصوص مجالس حفظ، تعلیم و کتابت قرآن را به اندازه‌ای در میان مسلمانان رایج نموده بود که علاوه بر مساجد، خانه‌های صحابی چون عبدالله بن عباس، عبدالله بن مسعود، سلمان فارسی و عمار یاسر نیز محل تشکیل حلقه‌های علمی بود. (آئینه‌وند، ص ۸۵)

پس از پیامبر امیرالمؤمنین برجسته‌ترین نقش علمی را در میان صحابه چه در مدینه و چه پس از مهاجرت، در کوفه ایفا نموده است.<sup>۴</sup> (کمالی سرپلی، ۱۳۸۸: ص ۶۱) و پس از آن، فرزندان حضرت، همواره قافله سالار علم و فقاهت بودند تا این‌که در زمان امام صادق، این رویه به اوج خود رسید. ایشان با استفاده از خلاء پیش آمده به سبب انتقال قدرت از امویان به عباسیان هم در کوفه و هم در مدینه مجالس با عظمت علمی برپا کرده و شاگردان متعددی را در آن تربیت نمودند. خانه آن حضرت، محل رفت و آمد عالمان و راویان فراوانی بود و در دو سال اقامت در کوفه مناظره‌های متعددی با فرقه گوناگون داشتند و مردم در این مناظرات شرکت می‌کردند. (کمالی سرپلی، ۱۳۸۸: ص ۶۳) فقیهان و محدثین شیعه در این دوران با تدوین ۶۶۰۰ کتاب که چهارصد اصل آن ویژگی ممتازی داشتند، سهم بسیار عظیمی در شکوفایی تمدن اسلامی ایفا نمودند و در واقع آغازگر عصر تدوین بودند. (کمالی سرپلی، ۱۳۸۸: ص ۶۴)

از آن پس بود که کوشش علماء و فقهاء با برگزاری حلقه‌های عمومی و خصوصی علمی برای محافظت از این میراث به دست آمده تبدیل به حوزه‌های علمیه رسمی شیعه گردید، در حقیقت هر جا جمعی از شیعیان گرد هم می‌آمدند؛ بی‌تكلف حلقه‌ای برای تعلیم و تفاهی معارف اهل بیت برپا می‌گردیده است؛

<sup>۱</sup>. ارقم هفتمین نفری بود که ایمان آورد و خانه‌اش در مکه بر روی صفا همانجا بی بود که پیامبر در اول اسلام در آن به سرمه برد و مردم را به اسلام دعوت می‌کرد و افراد زیادی در آن خانه اسلام آورندند، (الهاشمی البصری، ۱۴۱۴: ج ۲، ص ۱۸۳)

<sup>۲</sup>. در مسجد پیغمبر رسمیاً حلقه‌های درس تشکیل می‌شد و در آن حلقه به بحث و گفتگو درباره مسائل اسلامی و تعلیم و تعلم پرداخته می‌شد. روزی رسول خدا وارد مسجد شد و دید دو حلقة در مسجد تشکیل شده است؛ در یکی از آنها افراد به ذکر و عبادت مشغولند و در یکی دیگر به تعلیم و تعلم. پس از آنکه هر دو را از نظر گذراند فرمود: «کِلَاهُمَا عَلَى خَيْرٍ وَلِكِنْ بِالْتَّعْلِيمِ أَرْسِلْتُ» یعنی هر دو جمعیت کار نیک می‌کنند اما من برای تعلیم فرستاده شده‌ام. رسول خدا آنگاه رفت و در حلقه‌ای که آنجا تعلیم و تعلم بود نشست (مطهری، ۱۳۵۸: ج ۱۴، ص ۳۸۵) به نقل از منیه المرید شهید ثانی، ص ۵).

<sup>۳</sup>. مردم مکه نوشتند می‌دانستند و اهالی مدینه بلد نبودند در جنگ بدر اسرانی که فدیه نداشتند به ازای آموزش ده کودک از کودکان انصار آزاد می‌گشتنند (الهاشمی البصری، ۱۴۱۴: ج ۲، ص ۱۶)

<sup>۴</sup>. ابن حجر در مورد ایشان گفته «و لم يزل بعد النبي صلی الله عليه و سلم متصدیا لنصر العلم و الفتیا» (عسقلانی، ۱۴۱۵: ج ۴، ص ۴۶۵) همچنین در فضائل و منش علمی حضرت از شیعه و سنی احادیث متعدد و متکثري مروی است؛ به عنوان مثال رک (الهاشمی البصری، ۱۴۱۴: ج ۳، ص ۲۹۱۳)، حلقی، ۱۴۱۱: ص ۷۵۴۲ تا ۷۵۴۳)

«گاهی بغداد، زمانی نجف، دوره‌ای جبل عامل (لبنان)، برهه‌ای حلب (سوریه)، مدتی حله (عراق)، عهدی اصفهان و دوران‌هایی قم مرکز نشاط فقهی و فقهای بزرگ بوده است. در طول تاریخ مخصوصاً بعد از صفویه در شهرهای دیگر ایران از قبیل مشهد، همدان، شیراز، یزد، کاشان، تبریز، زنجان، قزوین و توس، حوزه‌های علمیه عظیم و معتبری بوده است، ولی هیچیک از شهرهای ایران به استثنای قم و اصفهان و در مدت کوتاهی کاشان، مرکز فقهای طراز اول نبوده و عالی‌ترین و یا در ردیف عالی ترین حوزه‌های فقهی به شمار نمی‌رفته است. بهترین دلیل بر نشاط علمی و فقهی این شهرها وجود مدارس بسیار عالی و تاریخی است که در همه شهرستانهای نامبرده موجود است و یادگار جوش و خروش‌های علمی دورانهای گذشته است.» (مطهری، ۱۳۵۸: ج ۱۴، ص ۴۴۰)<sup>۱</sup>

باید توجه داشت هر کدام از این حوزه‌های کوچک و بزرگ، به لحاظ اجتماعی منشاء اثراتی در محدوده خود و یا در گستره وسیعی از جامعه اسلامی بوده‌اند و پیامدهای آشکار و نهانشان به طور مستقیم یا غیر مستقیم بر زندگی شیعیان قابل مشاهده بوده است. اما گذشته از آثار انفرادی می‌توان بر اساس اهداف و ساختار مشترک هریک از این واحدهای علمی تأثیرات کلی حوزه‌های علمیه بر تمدن اسلامی را تخمین زد.

## ۱-۲- اهداف، کارکردها و ساختار مشترک در بین حوزه‌های علمیه

برنامه اساسی حوزه در مرحله اول حفظ و نگهداری از منابع اصیل دینی و به عبارت دیگر تأمین اصالت علوم اسلامی است تا بتواند از آن در پیشبرد مقاصد علمی و عملی اسلام استفاده نماید. در واقع حوزه، دو وظیفه مهم بر عهده دارد؛ اول تعقیب و تکمیل فرهنگ اسلامی و پربار ساختن آن. و دوم ترویج و تکمیل و تبلیغ علوم و دانش‌هایی که یک جامعه در مسیر تکامل خود بایستی بیاموزد و به کار بیندد. (عقیقی بخشایشی: ص ۵۶)

در راستای این دو هدف است که کارکردهایی چون، تأسیس و ترویج علوم دینی، هدایت امت در تشریع و بیان احکام دینی و در نهایت نشر علوم عقلی و تحکیم عقلانیت در علوم و گشایش ابواب توحید و توسعه ابواب معرفت، در این واحدهای اصیل علمی تحقق می‌پذیرد. (آئینه‌وند، ص ۹۰)

ساختار حوزه‌ها نیز متأثر از اهداف و برای تحقق کارکردهای مذکور شکل خاصی را به خود گرفته است. اگر بخواهیم ارکان رئیسه حوزه را بیان کنیم شاید بتوان این سه را مهمترین رئوس حوزه علمیه دانست؛ الف. نیروی انسانی اعم از اساتید، محققین، مبلغین و طلاب که مهمترین رکن تشکیل دهنده حوزه هستند و به عبارتی روحانیون و علمائی که تأثیرات شگرف آن‌ها در حیات و استمرار تمدن اسلامی قابل احصا و شمارش نیست. ب. علوم متعدد حوزوی و ج. شیوه‌ها و روش‌ها اعم از شیوه مدیریت، شیوه آموزش، شیوه تربیت، شیوه تبلیغ.

## ۳- تمدن و سازه‌های آن

تمدن از (مدن) به لحاظ لغوی نزدیک به مدنیه به معنای شهر، شهرنشینی، و اخلاق شهرنشینی آورده شده است (رک این منظور، ۱۴۱۷: ج ۱۳، ص ۴۰۲). همچنین گفته شده: «(مدنیه، شهر و زندگی) مدنی یعنی شهرنشینی و تمدن از آن است و زندگی مدنی اولین مرتبت کمال انسانیت است و اولین مرحله اجتماع کامل است و اجتماعات پائین‌تر در روستاهای محله‌ها، کوچه‌ها و خانه‌ها اجتماعات ناقصی هستند. (سجادی، ۱۳۷۳: ج ۳، ص ۱۷۲۵). اما در اصطلاح تمدن عبارت است از مجموعه دانش‌ها، هنرهای، فنون و آداب و سنت، تأسیسات، نهادهای اجتماعی که در پرتو ابداعات، اختراعات و فعالیت‌های افراد و گروه‌های انسانی طی اعصار و قرون گذشته توسعه و تکامل یافته و در تمام قسمت‌های یک جامعه یا چند جامعه که با هم ارتباط دارند رایج است، مثل تمدن مصر، تمدن یونان و تمدن ایران که هر کدام دارای ویژگی‌هایی است که به عوامل جغرافیایی و تاریخی و تکیکی خاص خود بستگی دارد. (روح‌الامینی، ۱۳۷۹: ص ۳۰)

<sup>۱</sup>. برای کسب اطلاع جامع پیرامون حوزه‌های علمیه جهان اسلام مراجعه شود به (سید کباری، ۱۳۷۸: ص ۱۲۷ تا ۱۲۲)

یک تمدن متشكل از مؤلفه‌ها و اجزای سازنده مختلفی است، در واقع یک سازه تمدنی ساده‌ترین عنصری است که در خلق و شکل‌دهی به تمدن دخالت می‌کند که البته در یک نگاه وسیع در قالب نظام تمدنی تعریف می‌شود. این مؤلفه‌ها علاوه بر تعدد، میزان متفاوتی از تأثیر را بر تمدن می‌گذارند، در واقع بسته به این که تمدن بر چه اساسی شکل گرفته باشد از هریک از این مؤلفه‌ها استفاده می‌کند. به طور خلاصه عناصر شکل دهنده یک تمدن عبارتند از: قوانین و مقررات که لا اقل در شهرهای بازرگانی مکتوب شده‌اند، نوعی دولت با زمامداری پادشاهان، روحانیون و یا منتخبین مردم، خط و الفبا برای ثبت و ضبط وقایع، انواع و اشکالی از هنر، زبانی برای انتقال دستاوردها و آموزش آن‌ها به نسل بعد، معتقدات دینی با سلسله مراتبی از روحانیون و مقدسین، سعی برای تکامل علوم خواه به سبب قواعد علمی یا برای خدمت به اهداف دینی. (کرمی قهی، ۱۳۸۶: ۵۸ به نقل از اولیا ولاهوس)

برخی این مؤلفه‌ها را تنها در چهار رکن اساسی برشمرده‌اند؛ الف. پیش‌بینی و احتیاط در امور اقتصادی. [سیاست اقتصادی] ب. سازمان سیاسی، ج. سنن اخلاق. و. د. کوشش در راه معرفت و بسط هنر (کرمی قهی، ۱۳۸۶: ۵۸) بنابراین در یک جمع‌بندی کلی همه مؤلفه‌های تمدنی را می‌توان در سه نظام اساسی جای داد. این سه نظام به ترتیب اولویت عبارتند از:

۱. نظام فرهنگی
۲. نظام سیاسی
۳. نظام اقتصادی

### ۱-۳- نظام فرهنگی

معروف‌ترین تعریف در باب فرهنگ همان تعریف مشهور تایلور است که می‌گوید: فرهنگ عبارت از ترکیب پیچیده‌ای شامل علوم، اعتقادات و هنرها، اخلاق و قوانین و آداب و رسوم و عادت و اعمال دیگری است که به وسیله انسان در جامعه خود به دست می‌آید. (روح‌الامینی، ۱۳۷۹: ص ۴۸) این تعریف وسیع از فرهنگ، تقریباً تمام شئون و مؤلفه‌های یک تمدن را در بر می‌گیرد و به همین جهت است که بسیاری از جامعه‌شناسان، فرهنگ و تمدن را یکسان دانسته‌اند و وجود بار مفهومی متفاوت از هم را برای این دو لفظ منکر شده‌اند. (کرمی قهی، ۱۳۸۶: ص ۳۶)

در مقابل، برخی نیز تفاوت بین این دو را این‌گونه شرح داده‌اند؛ تمدن به نظام‌های بزرگ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی‌ای اشاره دارد که از نظر جغرافیایی واحد کلانی را در یک قلمرو پهناور معمولاً یک امپراتوری در بر می‌گیرد، در حالی که فرهنگ می‌تواند از آن مردمی در یک قبیله ابتدائی باشد. (رک کرمی قهی، ۱۳۸۶: ص ۳۶ به نقل از داریوش آشوری) همچنین در نظر دانشمندان، تمدن ناظر به ظواهر مادی و به مثابه جسمی دانسته شده که روح و هسته معنوی آن از فرهنگ پی‌ریزی شده باشد. (رک: کرمی قهی، ۱۳۸۶: ص ۳۷ به نقل از مالک بن نبی، دکتر شریعتی و ...)

به هر حال این تفکیک، چیزی از وسعت مفهومی فرهنگ نمی‌کاهد، چون بنابر تعریف تایلور موارد ذیل جزو مصاديق فرهنگ هستند؛ علوم شامل الهی و طبیعی، اعتقادات و عبادات، هنر شامل انواع تجسمی مانند بناها و تأسیسات و غیر آن، اخلاق شامل فردی و اجتماعی مانند نظام خانواده، قوانین و آداب و رسوم و این یعنی تقریباً همه نظام‌هایی که می‌توان در یک تمدن از آن نام برد اما اینجا به جهت اهمیت نظام سیاسی و اقتصادی، این دو نظام به صورت مجزا ذکر خواهند شد.

تحلیل دیگری از نظام فرهنگی، سطوح فرهنگ را در جامعه نمایان می‌سازد در این تقسیم که برگرفته از انقسام نظام‌ها به عملی و نظری است چهار سطح را برای فرهنگ در نظر می‌گیریم؛ الف. سطح افکار و عقائد یا نظام معنایی. ب. سطح اخلاق و ارزش‌ها یا نظام گرایشی. ج. سطح احکام و مناسک یا نظام رفتاری و سطح ظواهر و نظام نمادین. (جعفری، ۱۳۹۰: ص ۳۷)

### ۲-۳- نظام سیاسی

فیلسوفان و دانشمندان علوم اجتماعی تعاریف مختلفی از سیاست، ارائه کرده‌اند که اغلب آن‌ها بر محور حکومت و قدرت بنا شده است؛ «سیاست عبارت است از تنظیم امور دولت و تدبیر شؤون آن» (صلیبا، ۱۳۶۶: ص ۴۰۱) یا از قول ابن سینا آمده

که: « به بررسی احوال خویش و بررسی دخل و خروج و رسیدگی به کار خانواده و فرزندان و اطرافیان و نیز به اداره کردن امور رعایا توسط والی سیاست اطلاق می‌شود.» (صلیبا، ۱۳۶۶: ص ۴۰۲) در تعریف دیگری می‌خوانیم: «سیاست در معنای کلی و قابل فهم عبارت است از قبضه کردن، سازمان دادن و بهره‌برداری کردن از قدرت در یک منطقه، سرمیمین یا جامعه؛ به ویژه قدرت یا توان حکومت کردن و تصمیم‌گیری درباره این اصل مهم است که چه کسی، چگونه و کی نهادهای عمومی جامعه را اداره نماید.» (قزلسلفی، ۱۳۷۷: ص ۲۱۵ به نقل از مایکل راش)

### ۳-۳- نظام اقتصادی

اقتصاد گرفته شده از قصد به معنای پایداری روش (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۳، ص ۳۵۰) در مقابل افراط و تفریط یا واسطه بین مدموح و مذموم است و در اصطلاح علمی است که توزیع، به دست آوردن و مصرف ثروت و همچنین قوانین این امور را مورد بحث قرار می‌دهد (صلیبا، ۱۴۱۴: ج ۱، ص ۱۰۹)

اقتصاد در اصطلاح رایج خود که به خاطر ارتباط با قدرت مفهومی سیاسی محسوب می‌گردد، بر محور ثروت در جامعه بنا شده و قوانین و مناسبات آن را شامل می‌شود بنابراین نظام اقتصادی ساختاری اجتماعی است که روابط بین مؤلفه‌های اقتصادی را ترسیم می‌نماید.

### ۴- حوزه‌های علمیه و تمدن اسلامی

تمدن اسلامی را می‌توان نتیجه تلاش‌های علمی و عملی مسلمانان در قرون گذشته و در جوامع گوناگون دانست که منجر به ایجاد علوم، فنون، مؤسسات و مظاهر فرهنگ اسلامی گشته است. اما نکته مهم اینجاست که چه چیز باعث شده این تمدن، اسلامی نام گیرد؟ بی‌شک تمدن اسلامی محدود به یک منطقه خاص جغرافیایی نبوده بلکه در بخش عظیمی از عالم و توسط مسلمانان با ملیت‌های مختلف به وجود آمده و جلوه نموده است، پس تمدن اسلامی تمدن اعراب نیست. بلکه تمدن جمعیتی عظیم از انسان‌هاست که تحت تأثیر اعتقاد الهی و عمل به فرامین او مسلمان نام گرفته‌اند، در واقع آنچه این مایه ترقیات علمی و پیشرفت‌های مادی را برای مسلمین میسر ساخت در حقیقت همان اسلام بود. (زرینکوب، ۱۳۸۹: ص ۲۲) به دیگر سخن نظام‌های تمدنی‌ای که اسلام تأسیس و تنظیم کرد تمدن اسلامی را رشد و گسترش داد اما ارتباط بین حوزه‌های علمیه و این نظام‌های اساسی سازنده تمدن چیست؟

کلیّات اسلامی، ثابت، لا یتغیر و محدود است و حوادث و مسائل، نامحدود و متغیر. هر زمانی مقتضیات و مسائل مخصوص خود را دارد. به همین جهت ضرورت دارد که در هر عصر و زمانی گروهی متخصص و عالم به کلیّات اسلامی و عارف به مسائل و پیشامدهای زمانه، عهده‌دار اجتهداد و استنباط حکم مسائل جدید از کلیّات اسلامی بوده باشند.

علمای اسلام در دوره‌های درخشان تمدن اسلامی - که جامعه‌ای بسیط و بدروی به سرعت رو به گسترش و توسعه گذاشت، آسیا و قسمتها ای از اروپا و افريقا را در بر گرفت و بر ملت‌ها و نژادهای گوناگون که هر کدام سابقه و فرهنگ خاصی داشتند حکومت کرد و هزارها مسأله نو و جدید به وجود آورد - به خوبی از عهده وظیفه‌ای که به آنها محول شده بود برآمدند و اعجاب جهانیان را بر انگیختند. علمای اسلام ثابت کردند که منابع اسلامی اگر مقرن به حسن تشخیص و حسن استنباط باشد قادر است با یک اجتماع متحوال و متكامل پیش برود و آن را راهنمایی کند؛ ثابت کردند که حقوق اسلامی زنده است و قابلیت دارد با مقتضیات ناشی از پیشرفت زمان، هماهنگی کند و به احتیاجات هر عصری پاسخ بگوید. (مطهری، ۱۳۵۸: ج ۳، ص ۱۹۷ و ۱۹۸)

## ۱-۴- حوزه‌های علمیه و نظام فرهنگی

فرهنگ مهمترین رکن یک تمدن است و تأثیر در فرهنگ یقیناً تأثیر بر تمدن را در پی دارد. در این بخش مصادیقی از تأثیرات فرهنگی حوزه علمیه را غالباً در حوزه علوم بررسی می‌نماییم؛

یکی از شاخصه‌های مهم در بررسی یک تمدن واکاوی میزان اهتمام به گسترش و رشد علوم است. در واقع رشد علم در یک تمدن نشان از ثبات و حیات آن تمدن دارد، حوزه علمیه در این راستا طی اعصار مختلف از زمان ائمه با جذب استعدادهای درخشان و پرورش دانشمندان جامع الاطراف، تنها طلایه‌دار علم و دانش در طول حیات تمدن اسلامی بوده است. در گذشته مکتب خانه‌ها نقش مهمی در آموزش علم و دانش به مردم و آشنایی جامعه با مفاهیم دینی و قرآن داشتند. توجه به امر سواد و دانش در میان روحانیت در ایران به قدری فراگیر و گستردگی بود که به هنگام احداث و آغاز فعالیت دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ هجری شمسی که نماد آموزش عالی در ایران محسوب می‌گردید برای تدریس دروس از جمعی از استادی و فرهیختگان حوزه‌های علمیه دعوت کردند و این امر بیانگر جایگاه و منزلت علم و دانش در میان روحانیت بوده است. (دارابی: ص ۸۲)

علومی که در حوزه علمیه مورد توجه بود، علاوه بر علوم اسلامی، شامل آنچه که یک جامعه بدان نیازمند است و در اسلام تحت عنوان فریضه از آن یاد شده، می‌شده است. (مطهری، ۱۳۵۸: ج ۵، ص ۳۶ و ۳۷) بنابراین دسته‌بندی ذیل در این رابطه قابل ملاحظه است؛ «ادبیات عربی (شامل صرف، نحو و بلاغت)، علوم حدیث (شامل رجال، درایه، مختلف الحدیث، فقه الحدیث و جرح و تعدیل)، علوم تفسیر، علم کلام، فقه و اصول، منطق، فلسفه اسلامی (شامل نحله‌های مشائی، اشرافی و متعالیه)، عرفان، برخی علوم دیگر (مثل نجوم).» (آئینه‌وند، ص ۸۹)

## ۱-۱-۴- علوم قرآنی

توجه به قرآن و حفظ آن از زمان پیامبر و با توصیه‌های ایشان صورت گرفت و اولین کاتب قرآن امیر مؤمنان<sup>۳</sup> بود. امیر مؤمنان<sup>۳</sup> از همان سال‌های اولیه، کسانی چون ابوالاسود دوئلی، ابیان بن تغلب، محمد بن السائب و سعید بن جبیر را به فعالیت در علوم قرآنی توصیه و ترغیب می‌فرمود.<sup>۱</sup> شرح و تفسیر قرآن غالباً به روش ترتیبی در بین مفسران رایج بود اما پس از آن به خصوص در سال‌های اخیر روش تفسیر موضوعی در آثار مفسرین شیعی پیدا کرده است. مفردات راغب، التبیان شیخ طوس، تفسیر موضوعی آیت الله جوادی آملی و آثار دیگری را در این روش (تفسیر موضوعی) می‌توان نام برد. تفاسیر عیاشی، نعمانی، مجمع البیان، قمی، نورالجنان، صافی، منهج الصادقین، البرهان، نورالثقلین، جامع البیان، مفاتیح الغیب (تفسیر کبیر)، و بسیاری از تفاسیر دیگر توسط علمای مسلمان نگاشته شده‌اند. از این بین تفسیر المیزان علامه طباطبایی به روش تفسیر قرآن به قرآن با خصوصیات بارز را می‌توان به عنوان اثری سترگ در این زمینه یاد کرد.

## ۲-۱-۴- حدیث

الف. حوزه بغداد تدوین جوامع روایی و نقادی حدیث: قبل گفتیم حضور اصحاب امام صادق و امامین کاظمین، امام جواد و امام هادی در بغداد جلوه حدیثی خاصی را مخصوصاً تا قبل از سده چهارم به این حوزه داده بود، محدثان بزرگی چون ابن ابی عمير، یونس بن عبدالرحمان، حفص بن بختری، یعقوب بن یزید انباری، نضر بن سوید کوفی و محمد بن محمد بجلی از این جمله‌اند. این حضور پرنگ موجبات تدوین جوامع مهم حدیثی همچون جامع کافی<sup>۲</sup> و کامل الزیارات<sup>۱</sup> را فراهم آورد. گفته‌اند تدوین الاستبصر و تهدیب به دست شیخ طوسی نیز مرهون همین حوزه مبارکه است. (گروه مؤلفان، ۱۳۹۰: ص ۹۲)

<sup>۱</sup>. «کِتَابُ اللَّهِ تُبَصِّرُونَ بِهِ وَ تَنْطِقُونَ بِهِ وَ تَسْمَعُونَ بِهِ وَ يَنْطِقُ بَعْضُهُ بِبَعْضٍ وَ يَشْهَدُ بَعْضُهُ عَلَى بَعْضٍ» (شریف رضی، ۱۳۸۴: ص ۲۸۰)

<sup>۲</sup>. کلینی، خود از مشایخ ری بود اما کافی را در بغداد نگاشت. (مصطفوی: ص ۶)

ب. حوزه حله و دسته بندی احادیث بر اساس اعتبار سند: سید جمال الدین احمد بن موسی بن طاوس (متوفی ۶۷۳) طرح تقسیم‌بندی احادیث از نظر سند را در چهار قسم صحیح، موثق، حسن و ضعیف ارائه کرد و پس او علامه حلی آن را به کار گرفت که تا زمان معاصر با ملاحظات تکمیلی و اصلاحی مورود توجه و استناد فقهها بوده است. (جوادی، ۱۳۷۸: ص ۱۹۱) از این گذشته، همین محدثین به نام، در آثار خود احادیث و محدثین را مورد ارزیابی قرار می‌دادند، شیخ مفید احادیث معارض با عقل را کنار می‌گذاشت و نجاشی و شیخ طوسی در کتب رجال و فهرست خود به جرح و تعدیل محدثین می‌پرداختند.

توجه به حدیث در حوزه اصفهان: با تأکیدات بهاءالدین عاملی و شاگردش محمدتقی مجلسی و با اقدامات محمد باقر مجلسی، صاحب بحار الانوار توجه به حدیث و گرداوری آن جایگاه ویژه‌ای یافت. (گروه مؤلفان، ۱۳۹۰: ص ۱۷۹) توجه به احادیث و روایات در این حوزه تا جایی بالاگرفت که باعث گرایش به اخباری گری و شیوع آن گردید.

ج. قم بزرگترین حوزه حدیثی شیعه: احادیث معصومین که نخست در مدینه و کوفه روایت می‌شد، در حوزه قم تهذیب و تدوین می‌گردید. بررسی در سلسله استاد کتاب‌هایی چون المحسن احمد بن محمد بن خالد برقی شاهدی بر این مدعاست. اسناد کافی نشان می‌دهد بیش از هشتاد درصد مشایخ کافی قمی‌اند. (جعفریان، ۱۳۵۷: ج ۱، ص ۷۰) ابراهیم بن هاشم قمی از بزرگ‌ترین محدثین قم است که نامش در اسناد بالغ بر ۶۴۱۴ روایت ذکر شده است (خوبی، ۱۳۶۹: ج ۱، ص ۳۱۸) مجلسی می‌گوید: «در کتابی دیدم که در زمان علی بن بابویه از محدثین در قم دویست هزار محدث بودند و ظاهرا وجهش این بوده است که عوام و خواص، همه عمل به حدیث می‌کردند و احادیث را حفظ می‌نمودند.» (مجلسی، محمدتقی: ج ۱، ص ۴۷۷) از شاخصه‌های مدرسه حدیثی قم، سامان‌دهی احادیث در موضوعات مختلف دینی بوده است. المقنع در فروع، الهدایة در اصول و فروع، التوحید در الاهیات و کمال الدین و تمام‌النعمۃ در استدلال بر امام زمان از جمله آثار شیخ صدوق، با این رویه هستند.

از شاخصه‌های دیگر حوزه حدیثی قم علاوه بر توجه به متن حسایت در سند احادیث بوده به گونه‌ای که شیخ القمیین (احمد بن محمد بن عیسی) سهل ابن زیاد آدمی را به جهت این که او را غالی می‌دانست از قم تبعید کرد و مردم را از سمع احادیث او بازداشت. (نجاشی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۱۸۵) همین دقت باعث شد که بسیاری از محدثین قم فقیه نامیده شوند.<sup>۲</sup> از مهمترین کتب حدیثی شیعه می‌توان به این موارد اشاره نمود؛ الکافی (کلینی)، من لا یحضره الفقيه (شیخ صدوق)، تهذیب الاحکام و استبصر (شیخ طوسی)، بحار الانوار (علامه مجلسی)، وافی (فیض کاشانی)، وسائل الشیعه (شیخ حر عاملی)، مستدرک الوسائل (محدث نوری). (سید کباری، ۱۳۷۸: ص ۳۸)

### ۴-۱-۳- فقه

شاید بتوان فقه را مهم‌ترین علوم اسلامی به شمار آورد، زیرا عالمان دین هیچ چیزی را مهم‌تر از دانستن تکالیفی که خداوند بر عهده بندگانش قرار داده، ندانسته‌اند و همواره در طول دوران در ضبط و تنقیح آن کوشیده‌اند. گوشاهای از قرن‌ها خدمت حوزه‌ها و علمای شیعه را به فقه اسلامی شاید بتوان در جدول ۱ به نمایش گذاشت؛

جدول ۱: تعداد فقهاء شیعه و عناوین شناخته شده فقهی به تفکیک قرون (سید کباری، ۱۳۷۸: ص ۶۹)

قرن	عدد فقهاء طراز اول شیعه	تعداد کتب فقهی شناخته شده
چهاردهم	۱	۱
سیزدهم	۹	۴۱
دوازدهم	۷	۳۷
یازدهم	۶	۴۳
دهم	۱۰	۱۴
نهم	۷	۴۴
هشتم	۶	۱۰
هفتم	۷	۱۴
ششم	۹	۵۲
پنجم	۱۹	۴۹
چهارم	۴۱	۱۲۸
پنجم	۹	۱۶۲
دوادزدهم	۲۴۳	۱۶۲
سیزدهم	۲۲۳	۱۹۹
چهاردهم	۱	۱۵۰

<sup>۱</sup>. اثر جعفر بن محمد بن قولویه قمی از اساتید شیخ مفید

<sup>۲</sup>. رک نجاشی ذیل: احمد بن محمد بن عیسی اشعری، ابوعبدالله محمد بن ابی القاسم، سعد بن عبدالله اشعری، علی بن حسین بن بابویه و علی بن حسن بن شاذان

برخی خصوصیات فقهی حوزه‌های علمیه عبارتند از :

الف. حوزه بغداد و نگرش عقلانی به فقه: ابن جنید اسکافی در تهذیب الشریعه لاحکام الشریعه، شیخ مفید در المقنعه، علم‌الهدی در ناصیریات و الانتصار و نهایتاً شیخ طوسی در المبسوط بر خلاف محدثین پیش از خود از منظر عقلی به فقه نگریستند.

ب. حوزه نجف و نگرش همه جانبیه به احادیث فقهی: مقدس اردبیلی به جای تبعیت از مشهور (مکتب شیخ طوسی) به احادیث صحیح‌السندي که مورد بی اعتمای اصحاب واقع شده بود، روی آورد، مفتاح‌الکرامه فی شرح قواعد العلامه از محمد جواد عاملی، مستند الشیعه فی احکام الشریعه ملا احمد نراقی، جواهرالکلام فی شرح شرایع‌الاسلام از محمد حسن نجفی و نهایتاً مکاسب شیخ انصاری، از نمونه‌های این تفکر استدلالی و تبع جامع در فقه هستند.

ج. حوزه حله اعتبار بخشی به عقل در مدارک احکام و مخالفت با حجیت خبر واحد: ابن ادریس حلی با انتقادات صریح خود نسبت به شیخ الطائفه به خصوص در السرائر پایان‌بخش دوران «مقلده»<sup>۱</sup> محسوب می‌گردد. مخالفت ابن ادریس با حجیت خبر واحد از موارد صریح مخالفت او با شیخ طوسی بود. (شهید اول، ۱۴۰۷: ص ۳۵ و ۲۲-۲۱) همچنین او به صراحت عقل را یکی از مصادر و منابع فقه شیعی خواند. (حلی، ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۴۶)

د. حوزه جبل عامل؛ متون فقهی آموزشی حوزه: اللمعة الدمشقية از شهید اول (متوفی ۷۸۶) و شرح آن از شهید ثانی (متوفی ۹۵۵) را می‌توان ماندگارترین متون درسی حوزه‌های علمیه در زمینه فقه دانست. از سوی دیگر مجموعه بی نظیر وسائل الشیعه از شیخ حر عاملی همچنان دستاویز اجتهاد و فتوا در بین فقهاء شیعه است.

#### ۴-۱-۴- اصول فقه

این علم به عنوان مقدمه فقه و ابزاری در دست فقها مشتمل بر قواعدی است که در راه استنباط احکام شرعی مورد استفاده فقهاست. (سجادی، ۱۳۷۳: ج ۱، ص ۲۲۶) برخی تاریخ آن را به زمان امام صادق و باقر بر می‌گردانند و اولین مؤلف آن را هشام بن حکم در کتاب «كتب الالفاظ و مباحثتها» می‌دانند، در این راستا گذشته از آمارهای الذریعه که تصانیف اصولی شیعه را بالغ بر صدها اثر دانسته، تعداد ۲۶۶ اثر اصولی شناخته شده تا کنون به چاپ رسیده و این غیر از آثاری است که هنوز به زیور طبع آراسته نشده است. (سید کباری، ۱۳۷۸: ص ۳۹)

الف. حوزه بغداد و ابداع علم اصول: شیخ مفید معروف به ابن‌المعلم برای اولین بار مسائل اصولی را در کتاب التذکره باصول‌الفقه گردآورد، (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ج ۲، ص ۲۰۹) سید مرتضی کتاب جامعی با عنوان الذریعه الى اصول الشریعه در اصول نگاشت (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ج ۲، ص ۳۶۰) و نهایتاً شیخ طوسی عده اصول، که به ادعای خود او جامع‌ترین اثر اصولی بود را تدوین کرد.

ب. حوزه نجف احیاگر علم اصول: علم اصول در حوزه نجف به برکت مبارزات بی وقفه علامه وحید بهبهانی (در کربلا) و مهاجرت علامه بحرالعلوم به نجف (رك: گرجی، ۱۳۵۷: ص ۲۳۴ و ۲۳۵) و تلاش شیخ جعفر کاشف‌الغطاء و در ادامه محمد تقی اصفهانی (صاحب هدایة المسترشدین فی شرح معالم الدین)، محمد حسین اصفهانی (صاحب الفضول الغرویه)، سید محمد باقر شفتی (صاحب الزهرة البارقة)، شیخ محمد ابراهیم کلباسی (صاحب الاشارات الاصول)، سید محمد مجاهد (صاحب مفاتیح الاصول)، میرزا ابوالقاسم قمی (صاحب قوانین)، و سرانجام شیخ مرتضی انصاری صاحب فرائدالاصول و آخوند کاشی صاحب کفایه الاصول به کمال و نهایت خود رسید. (گروه مؤلفان، ۱۳۹۰: ص ۱۱۶ تا ۱۲۴)

۱. دوران مقلده به دوران پس از شیخ طوسی گویند که در این دوره حوزه‌های علمیه متأثر از عظمت علمی او رویکرد خشوع، خضوع و تقلید از نظریات علمی شیخ را به خود گرفتند.

## ۴-۵- کلام و حکمت

الف. حوزه بغداد و توسعه کلام و حکمت: مشاجرات مستمر فلسفی و کلامی از قرن سوم به بعد میان دو فرقه معتزلی و اشعری و مذاهب دیگر موضوعات و مباحث جدیدی را وارد حوزه شیعی بغداد نمود و بزرگانی چون هشام بن حکم و ابوسهل اسماعیل بن علی نوبختی، ابوالجیش بلخی، ابو محمد حسن بن عیسی نوبختی، ابو اسحاق ابراهیم نوبختی، شیخ مفید و شاگردانش را به جلوه رساند. گسترش کلام در حوزه‌ی بغداد این حوزه علمیه را به همین تخصص شناساند. مهمترین مسائل کلامی این حوزه بحث از امامت و صفات او و نیز بحث غیبت بود، پیرامون این موضوعات، تأییفات متعددی به دست علمای بزرگ نگاشته شد؛ التنبیه ابوسهل نوبختی، الغيبة کاتب نعمانی، و الغیبه ابوبکر بغدادی و همچنین الیاقوت، التحریر و التقریر، و کشف الاسرار، تصحیح الاعتقاد، تنزیه الانبياء از سید مرتضی و تمہید الاصول شیخ طوسی از این جمله‌اند. علاوه بر این ظهور معلم ثانی (ابونصر فارابی) از بغداد و سپس حلب می‌تواند جایگاه فلسفی حوزه بغداد را بنمایاند. (گروه مؤلفان، ۱۳۹۰: ص ۹۲ تا ۹۸)

ب. اصفهان حوزه فلسفه: حضور کسانی چون میرداماد، میرزا ابوالقاسم میرفندرسکی، صدرالدین شیرازی، و آثاری که این فلاسفه تألیف کردند و نیز حواشی و شروح متعددی که در این دوره بر آثار فلاسفه پیشین نوشته شد، به روشی گواه توجه ویژه حوزه علمیه اصفهان به فلسفه است. در واقع تفسیر اشرافی از فلسفه ابن سینا که از پیش توسط کسانی همچون سهروردی و غیاث الدین منصور و دیگران آغاز شده بود در اصفهان به همت میرداماد و ملاصدرا به اوج خود رسید و یکی از ویژگی‌های فلسفه دوره صفویه شد. سنت تدریس در حوزه علمیه اصفهان تا دوران معاصر نیز ادامه یافت و پس از جهانگیرخان قشقائی و آخوند کاشی کسانی چون حاج آقا رحیم ارباب به تدریس این دانش اهتمام داشتند. جلال الدین همایی از تربیت شدگان اوست. (گروه مؤلفان، ۱۳۹۰: ص ۱۹۵)

ج. حوزه فلسفی متأخر در قم: با مهاجرت صدرالمتألهین شیرازی (۹۷۹-۱۰۵۰ق) و شاگردانش به قم، فصل جدیدی در گرایش قم به فلسفه آغاز گردید. پس از او ملاعبدالرزاقد لاهیجی، ملامحسن فیض، قاضی سعید قمی فلسفه را در قم نشر دادند. حکیم متأله آیت الله سید ابوالحسن رفیعی قزوینی، امام خمینی، علامه طباطبائی و شهید مطهری را می‌توان از برجستگان فلسفی قم دانست که میراث خود را اکنون در اختیار اساطینی چون آیات عظام جوادی آملی، حسن‌زاده آملی و مصباح یزدی نهاده‌اند. از مهمترین آثار فلسفی به موارد ذیل می‌توان اشاره کرد؛

آراء اهلالمدينة الفاضلة (فارابی)، الشفاء، النجاة و التنبیهات و الاشارات (ابن سینا)، التحصل (ابوالحسن بهمنیار)، المباحث المشرقیه (فخر رازی)، حکمة الاشراق، تلویحات، مقاومات، مطارحات (شهاب‌الدین سهروردی)، درةالتاج (قطب‌الدین شیرازی)، قبسات (میرداماد)، الحکمة المتعالیه، الشواهدالربوبیه، المشاعر، المبدأ و المعاد (ملاصدرا)، شرح منظومه، اسرارالحكم (ملاهادی سبزواری)، اساسالتوحید (میرزا مهدی آشتیانی)، نهايةالحكمة و اصول فلسفه و روش رئالیسم (علامه طباطبائی). (سید کباری، ۱۳۷۸: ص ۸۰)

## ۶-۱- علوم دیگر

گستره علوم حوزه‌های علمیه به اندازه وسعت علومی است که در هر عصر وجود داشته است زیرا تا زمان به وجود آمدن مدارس غیر دینی و به خصوص دانشگاه‌ها، تنها نهاد علمی که عهده دار بسط و ترویج علوم بوده همین حوزه‌های علمیه و همین عالمان دین بوده‌اند. بنابراین گفتگوی مفصل در مورد همه علومی که در حوزه‌های علمیه موردنی بحث بوده است، مجالی موسع را می‌طلبد. این مقال به اقتضای بحث، تنها به چند نمونه اشاره می‌نماید؛

در حوزه علمیه بغداد، تاریخ، تراجم، رجال و تفسیر، مورد توجه بوده و دانشمندان آن ریاضیات، هندسه، طب، هنر و ادبیات، نجوم و علوم طبیعی تخصص داشته‌اند. (گروه مؤلفان، ۱۳۹۰: ص ۱۰۳ تا ۹۸) سید بن طاووس از علمای حله در علم نجوم تبحر داشت و کتاب «فرج المهموم فی تاریخ علماء النجوم» را در این رشتہ به تحریر درآورد. (جوادی، ۱۳۷۸: ص ۲۰۰)

حوزه علمیه قم علاوه بر پرورش عالمان دینی در بسیاری از علوم دیگر مانند تاریخ، جغرافیا، ادبیات و رجال نیز نخبگانی را تربیت کرد. (گروه مؤلفان، ۱۳۹۰: ص ۲۴ و ۲۵) در حوزه اصفهان علومی مانند طب و نجوم نیز تدریس می‌شد و برخی از عالمان حوزه در علم طب صاحب تأثیر بوده‌اند؛ میرزا حسین طبیب، شرف‌الدین حسن اصفهانی (معروف به حکیم شفائی)، سید محمد باقر موسوی حکیم (از طبیبان شاه سلیمان و صاحب کتاب الادویة القلبیة) از این جمله‌اند. تدریس طب در اصفهان تا قرن چهاردهم ادامه یافته و در این عصر در دوره اول قانونچه چغمینی و الموجز فی القانون ابن نفیس، دوره دوم شرح ابن نفیس بر الموجز و بر اسباب و علامات نجیب‌الدین سمرقندی و قانون ابن سینا را می‌خوانده‌اند، آخوند ملا عبدالجواد از استادان این علم بوده است. (جناب اصفهانی، ۱۳۷۱: ص ۱۰۶)

#### ۷-۱-۴- شیوه‌های عملی

از سوی دیگر از آنجا که حوزه رسالتی فراتر از یک دانشگاه اسلامی دارد، همواره کوشیده است، بسته‌ی برای پرورش علمی و عملی طلاب فراهم آورده، منشی را در پیش بگیرد که اهل خود را آشنا به مکارم اخلاق و در لباس و حلیه متقدین از دنیاخواهی و دنیاطلبی دور نگه داشته و به فضائل اخلاقی سوق دهد؛ «...ما در حوزه علمیه فرا گرفته بودیم در کتاب‌های آداب المتعلمین هم نوشته‌اند که وقتی انسان درس می‌خواند باید برای مقام نخواند، برای طلبه این ننگ است که برای رسیدن به مقام مادی درس بخواند؛ اما در اوساط و محافل دیگر و در مجتمع معمولی، دنبال مقام و پول رفتن هیچ عیبی نیست و یک ارزش هم محسوب می‌شود... فرق بین جامعه علمی ما و جوامع علمی و غیر علمی دیگر این است.» (خامنه‌ای، سیدعلی. سخنرانی در آغاز درس خارج فقه ۱۴/۶/۷۴. به نقل از حوزه و روحانیت، در آیینه رهنمودهای مقام معظم رهبری، ۱۳۷۵: ج ۱، ص ۲۴ تا ۲۶)

با رشد اخلاق عملی و آشکار شدن فرزانگان اهل دل در حوزه‌های علمیه مبانی نظری اخلاق یا همان اخلاق علمی و عرفان هم به عنوان یک علم پا به عرصه وجود نهاد. گلشن راز (شیخ محمود شبستری)، منازل السائرین (خواجه عبدالله انصاری)، منطق الطیر (عطار نیشابوری)، عوارف المعارف (شیخ شهاب‌الدین سهروردی)، فصوص الحكم و فتوحات مکیه (ابن عربی)، نفحات الانس و اشعة اللمعات (عبدالرحمان جامی)، لمعات (فخر الدین عراقی همدانی)، تمہید القواعد (علی ترکه اصفهانی)، مصباح الانس (ابن فناری)، مفتاح غیب الجمع و الوجود (صدر الدین قونوی)، الواردات القلبیة فی معرفة الربوبیة (صدر المتألهین)، آثار گرانقدر حضرت امام چون مصباح الهدایة الی الخلافة والولاية، شرح دعای سحر، تعلیقات فصوص الحكم و مصباح الانس و اربعین حدیث و بی‌شمار، اثر دیگر را می‌توان با این موضوع از عرفا و استاید اخلاق حوزه نام برد.

#### ۷-۱-۱- اجتهاد و مرجعیت

اجتهاد، کوشش مجتهد است برای شناخت احکام از راه منابع معتبر شرعی<sup>۱</sup> که به توصیه ائمه شیعه بر تفسیر،<sup>۲</sup> تطبیق و فتوا (عاملی، ۱۴۰۹: ج ۱، ص ۳۲۷) در حوزه‌های علمیه مرسوم گردیده و در غیاب معمول متصوّم تهها مستمسک فقهها برای احکام به خصوص در مورد موضوعات و مسائل مستحدثه است. اجتهاد یک نظام علمی مترقی است که علاوه بر فراهم آوردن زمینه رشد متعلم، داشته‌های علمی او را به منصه ظهور رسانده و کیل علمیش را عیان می‌سازد. اجتهاد که از قرن‌ها پیش در حوزه‌های علمیه شیعه متداول بوده است همان‌چیزی است که اکنون دانشگاه‌ها و جوامع علمی با الگوگیری از آن، دانشجویان را به ارائه پایان‌نامه ملزم ساختند.

۱. استفراغ الفقيه الوسع ليحصل له ظن بحكم شرعی (رفیق عجم، ۲۰۰۴: ج ۲، ص ۶)

۲. إنما علينا أن نلقى إليكم الأصول و عليكم التفريع (امین، ۱۴۰۶: ج ۱، ص ۱۰۴)

مرجعیت سازمانی بدیع برای هدف دهی علمی در حوزه‌های علمیه و نظام سازی در جوامع اسلامی بوده است. مقام مرجعیت که تنها و تنها در حوزه‌های علمیه امکان تحقق داشته است با هیچ مقام دنیوی قابل قیاس نبوده و نمی‌باشد. مرجعیت در واقع نه یک سیستم بلکه فراسیستمی کاربردی است به گونه‌ای که اکنون مجتمع سیاسی و علمی دنیا درپی تعریف آن برای ایجاد وحدت در جوامع، هدف دهی علمی برای دانشجویان و فصل خطاب اختلافات علمی، عقیدتی و سیاسی هستند.

موضوع بسیار مهمی که در اینجا شایسته ذکر است شیوه‌ها و روش‌هایی است که حوزه از صدر تاذیل به آن پایبند بوده شیوه‌هایی که هم در جنبه علمی یعنی دانش پژوهی و هم در جنبه عملی یعنی سیره علما مصادیق بسیاری دارد. از آنجا که رسالت حوزه همواره بر تعیین صراط مستقیم و دورساختن امت اسلامی از کثری‌ها و ناراستی‌های عقیدتی و مقابله با انحرافات بوده است، نمونه‌های فراوانی را می‌توان از ایستادگی علما و حوزه‌های علمیه در مقابل جریانات فکری، عقیدتی و سیاسی منحرف سراغ گرفت؛

از مقابله با صوفی‌گری در زمان صفویه،<sup>۱</sup> ایستادگی در جریان غرب‌گرائی پس از مشروطه در مقابل امثال تقی‌زاده،<sup>۲</sup> مقابله با محمد علی باب و پس از آن بهائیت، مبارزه با وهابیت و در این اواخر ایستادگی آیت الله بروجردی و امام خمینی در مقابل صهیونیست‌ها در کنار اهتمام علما به رساله‌ها و کتب مختلف در علم کلام همچون اوائل المقالات(شیخ مفید)، الشافی فی الامامه (سید مرتضی علم‌الهدی)، قواعدالمرام (شیخ کمال الدین بحرانی)، تجربیدالاعتقاد (خواجه نصیرالدین طوسی)، کشف المراد (علامه حلی)، شوارق الالهام و گوهر مراد (ملا عبدالرزاق لاهیجی) گوشه‌ای از فعالیت‌علمای دین و حوزه‌ها در حفظ و سامان‌دهی اعتقادات مسلمانان است. از این بین کتب و مقالاتی همچون الغدیر العلامه امینی که به اثبات حقانیت شیعه و امامت اهل بیت پرداخته‌اند بیش از همه به چشم می‌آید همه نمونه‌هایی از این ایستادگی است.

#### ۴-۷-۲- حفظ هویت علمی و دینی جامعه اسلامی

از اساسی‌ترین نقش‌های حوزه علمیه به خصوص در دوران اخیر که غرب علم و تکنولوژی خود را همچون تازیانه بر سر دیگران فرود می‌آورد، حفظ هویت علمی و دینی جامعه اسلامی در برابر غرب‌زدگی است؛ از نظر حوزه «چهره‌ی علمی و تکنولوژی غربی را، با حفظ هویت علمی و دینی خود می‌توان پذیرفت و اخذ کرد، ولی در عین حال از نظر فکری و سیاسی باید به طرد و نفی ارزش‌ها و عقاید سیاسی و اجتماعی غربیان می‌پرداخت.» (حججازی: ص ۲۶)

«تقلید از سازمان‌ها و شیوه‌های اداری و فرهنگی و سیاسی غرب و فرستادن گروه گروه دانشجو به غرب، نه تنها احوال ترکان را بهتر نکرد. بلکه زندگی سیاسی و اجتماعی‌شان را آشفته‌تر کرده است. حال آنکه رفتار درست در برابر معارف غربی، باید همانند رفتار مسلمانان صدر اسلام در برابر فلسفه‌ی یونانی باشد. مسلمانان صدر اسلام تنها هنگامی به فرا گرفتن طب بقراط و جالینوس و هندسه اقليدس و نجوم بطلمیوس و فلسفه افلاطون و ارسطو همت گماشتند که پایه‌های ایمان خود را استوار کردند. مسلمانان امروزی نیز تنها زمانی باید به فرهنگ و تمدن اروپائی روی آورند که دین خویش را به وجه درست آن بشناسند.» (عنایت، ۱۳۷۰: ص ۱۷۸)

<sup>۱</sup>. صدرالدین شیرازی رساله‌ای به نام کسر اصنام الجاهیة فی رد علی الصوفیة نوشت، نیز شیخ علی عاملی السام المارقة فی رد الصوفیة، سید محمد میرلوحی از شاگردان بهاءالدین عاملی رساله اعلام المحبین و ملا اسماعیل خواجه‌ی الرد علی الصوفیه را نوشته‌اند(رک: آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۲۰۰ و ج ۲۰۴، ص ۹۵)

<sup>۲</sup>. ایستادگی روحانیونی مانند شیخ فضل الله نوری در جریان غرب‌گرائی پس از مشروطه در مقابل امثال تقی‌زاده که می‌گفت: «تنها راه پیشرفت ما این است که از فرق سرتناخن پا، یکسره فرنگی شویم. من بودم که اولین بمب تسليم به اروپایی را، در جامعه‌ی آن روز ایران منفجر کردم» و یا آخوند زاده با نظریه پرووتستانیسم اسلامی: «پرووتستانیسم، عبارت از مذهبی است که حقوق الله و تکالیف عباد... جمیعا در آن ساقط شود و فقط حقوق‌الناس باقی بماند» (محمدزاده، ۱۳۵۷: ص ۷۲)

## ۱-۴-۸- مکان‌های آموزشی

از صدر اسلام مساجد و خانه‌ها محل درس و مباحثه قرار گرفتند<sup>۱</sup> اما بعدها مکتب خانه‌ها، حجرات داشمندان و حتی کتابخانه‌ها محل تبادل اطلاعات بود. بقاع و اماكن متبرکه به خصوص مراقد معصومین به دليل روحانيت و معنوitet بالا به زودی محل مناسبي برای تجمع طلاب علوم ديني شدند، اما گسترش و فزوني حلقه‌های درس، نياز حوزه‌های علميه را به مدارس علميه مجزا و گاه در کتار همان بقاع در پي داشت.

اگرچه بعضی نظاميه ببغداد را اولين مدرسه رسمي دانسته‌اند (ابن خلكان: ج ۲، ص ۱۲۸) مدرسه ابن حبان بستي (ابوحاتم محمد بن حبان تميمى، رک: حموى، رک: حموى، ۱۹۹۵: ج ۱، ص ۴۱۶) سال‌ها پيش از بنای نظاميه خواجه نظام‌الملک در بغداد (۴۵۷ق) در سال ۳۵۴ هجري قمرى همراه با کتابخانه بنا شده است. (سيد كبارى، ۱۳۷۸: ص ۱۳۰) همچنان دارالعلمى را به شريف رضى (۳۵۹-۴۶۰ق) و سيد مرتضى منتب دانسته‌اند که در آن همه حواچ طلاب را برآورده مى‌ساخت. (ابن عنبه، ۱۳۸۰: ص ۲۰۹) نيز باید به ياد داشته باشيم، کتابخانه شاپور بن اردشير و کتابخانه بزرگ شيخ الطائفه که در سال ۴۴۷ توسيط سلجوقيان تخریب شد از مکان‌های علمي و آموزشی حوزه بغداد بوده‌اند. (جناب اصفهاني، ۱۳۷۱: ص ۱۰۳ و ۱۰۶)

در حوزه نجف کتابخانه حيدريه (الخزانة الغروية) که به قرن چهارم برمى گردد، کتابخانه حسينيه شوشتري‌ها، کتابخانه محمد حسین آل کاشف‌الغطاء، کتابخانه مدارس قوام، خليلي و آخوند خراساني و کتابخانه مدرسه سيد محمد كاظم طباطبائي يزدي، کتابخانه اميرالمؤمنين و کتابخانه عمومي سيد محسن حكيم از جمله کتابخانه‌های قدیم و جدید این حوزه بوده که بسياري از آنان هم‌اکنون نيز دائرند. (گروه مؤلفان، ۱۳۹۰: ص ۱۳۹ و ۱۴۰)

مدرسه سازي در حوزه علميه اصفهان به خصوص در دوره صفویه رونق بسياري گرفت، مدارس امامزاده اسماعيل، جلالیه، الماسيه، شفيعيه، شيخ الاسلام، ملا عبدالله، نيم آورد، مريم بیگم، شاهزاده‌ها، جده برگ، جده کوچک، فاطمي، کلباسي، شيخ لطف الله يا خواجه ملك، نجفقلی بیک، ميرزا رضي، ميرزا تقى، آقا مبارک، اسماعيليه، دارالعلم، شاه، شيخ بهائي و ميرزا عبدالله افندى از جمله مدارس علمي هستند که در دوران صفویه در اصفهان بنا شده‌اند. (گروه مؤلفان، ۱۳۹۰: ص ۱۹۹ تا ۲۴۰) البته اين مدارس غير از مدارس جدید التأسيس اصفهان هستند. صاحب كتاب آثار ملى اصفهان ۵۱ مدرسه را نام برده که در زمان صفویه و يا پيش از آن در اصفهان بنا شده و اکنون اثری از آن نیست (رفعی مهرآبادی، ۱۳۵۲: ص ۴۷۸ تا ۲۱) همچنان ۲۱ مدرسه قدیمساز را برشمرده که در زمان نگارش كتاب یافت مى‌شده‌اند. (رفعی مهرآبادی، ۱۳۵۲: ص ۴۳۱ تا ۴۸۲)

بنابر گزارشي، تا سال ۱۳۷۸ شمسى در حوزه نجف ۳۹ مدرسه علميه و ۲۰ کتابخانه، در حوزه مشهد حدود ۳۸ مدرسه و ۶ کتابخانه بزرگ و نفيس، در حوزه علميه قم به جز ۴۹ مدرسه علميه، ۶۴ مرکز پژوهشى و آموزشى حوزوي و ۲۷ کتابخانه مهم در قم و در ادور مختلف تاريخ اصفهان ۷۰ مدرسه علميه دائر بوده است. (سيد كبارى، ۱۳۷۸: ص ۱۴۱، ۳۵۶، ۴۱۴ و ۳۱۷، ۳۵۶)

## ۲-۴- حوزه‌های علميه و نظام سياسي

رابطه حوزه علميه و نظام سياسي تمدن اسلامي يكى از ۳ ركني است که در تأثير حوزه‌های علميه بر تمدن اسلامي باید بررسى شود. نكته اول در اين باب اين است که حوزه‌های علميه شيعه بر خلاف حوزه‌های اهل سنت همواره خود را مستقل از حکومت‌های زمان حفظ مى‌کرده‌اند و در تأمین مخارج و موارد ديگر، در حد امكان هرگز خود را وابسته به حکام نمى‌نموده‌اند؛

۱. مؤيد اين مطلب حديث نبوى است که مى فرماید: « وَ خَرَجَ ۲ فَإِذَا فِي الْمَسْجِدِ مَجْلِسٌ يَتَقَبَّهُونَ وَ مَجْلِسٌ يَدْعَوْنَ اللَّهَ وَ يَسْأَلُونَهُ فَقَالَ كَلَا إِلَيْهِ خَيْرٌ أَمَا هُؤُلَاءِ فَيَدْعُونَ اللَّهَ وَ أَمَا هُؤُلَاءِ فَيَتَعَلَّمُونَ وَ يُقْرَئُونَ الْجَاهِلَ هُؤُلَاءِ أَفْضَلُ بِالْتَّعْلِيمِ أَرْسِلْتُ ثُمَّ قَعَدَ مَعْهُمْ» (مجلسي، محمدقابر: ج ۱، ص ۲۰۶)

حوزه علمیه از ابتدای تأسیس تا کنون هرچند در دوران‌های مختلف، با سیاست ارتباط برقرار نموده است، همواره مجموعه‌ای مستقل از نظام حکومتی محسوب شده است. بنابراین حوزه ماهیتا نهادی مستقل از حکومت است.

مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «اولاً حوزه‌های علمیه همیشه در طول تاریخ مستقل بودند؛ نه فقط در دوران حکومتهای معارض با تشیع، بلکه حتی در دوران حکومتهای شیعی. یعنی آن وقتی که صفویه در رأس کار قرار گرفتند و علمای بزرگی مثل محقق کرکی و پدر شیخ بهائی و بزرگان زیادی به ایران آمدند و در مناصب گوناگون دینی قرار گرفتند، هرگز این علماء شاگردان و تربیت شدگان آنها مقهور سیاست صفویه نشدن و در اختیار آنها قرار نگرفتند.»<sup>۱</sup>

نکته دوم این که برخوردها و اقدامات سیاسی حوزه علمیه است که از دو منظر قابل بررسی است؛ بعد اول که اهمیت ویژه‌ای دارد، نظریات سیاسی حوزه‌های علمیه و علمای این حوزه‌ها است و بعد دوم حرکت‌های سیاسی تاریخی حوزه‌های علمیه در ادوار مختلف.

#### ۴-۲-۱- تبیین اصول سیاسی اسلام و اقدام به نظریه‌پردازی سیاسی

غصب خلافت و تضییع حق مسلم ائمه معصومین از همان ابتدای رحلت رسول اسلام، به جز در مقطعی از حیات امیر مؤمنان، همواره ایشان را از مناصب حکومتی دور داشت. به تبع شاگردان آن حضرات و حوزه‌های علمیه در سده‌های اولیه علی رقم وجود احادیث و مواد مربوطه، کمتر به تدقیق ابواب مربوط به حکومت اسلامی پرداخته بودند. تدوین و تبیین نظریه سیاسی ولایت فقیه توسط امام خمینی که با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به عنیت و تجلی رسید اوج حضور سیاسی حوزه و روحانیت بود که با بهره برداری از اقدامات علمی و نظریاتی فقهای پیشین تحقق پذیرفت.

در این بین صاحب جواهر به لحاظ جایگاه علمی و تسلط بر مبانی فقهی اسلام و علمای پیش از خود جایگاه ویژه‌ای دارد. خصوصیت صاحب جواهر آن است که اصل ولایت فقیه را بی‌پروا و به دور از ملاحظات معمول و مرسوم، به صورت عام در همه شئون اجتماعی (به جز مواردی مثل جهاد ابتدائی، رک: نجفی: ج ۲۱، ص ۳۹۷) به گونه‌ای اثبات نموده که فقیه، جانشین بلافصل و منصوب خاص امام معصوم باشد، (ظهور قوله ... فی إرادة الولاية العامة نحو المنصب الخاص رک: نجفی: ج ۲۱، ص ۳۹۵) او نظر خود را به آیات، روایات و فتاوی علمائی چون محقق کرکی، ابن ادریس، ابن زهره و دیگران مستند نمود.

حرکت‌های سیاسی حوزه قم و روحانیت در انتهای قاجار و ابتدای پهلوی روشنفکر مآبانی چون کسری و علی‌اکبر حکمی‌زاده را به فکر انداخت تا برای دفع ورود روحانیون در مسائل سیاسی، کتاب‌های شیعی‌گری و اسرار هزار ساله را در سال ۱۳۲۲ شمسی بنویسند. در مقابل، تلاش حوزه علمیه قم برای پاسخ به کتاب حکمی‌زاده منجر به تأییف کشف الاسرار توسط امام خمینی گردید (فراتی، ۱۳۷۶: ص ۱۹۹ تا ۲۰۲) که می‌توان آن را اولین کتاب در باب حکومت اسلامی در عصر پهلوی دوم دانست. (فراتی، ۱۳۷۶: ص ۱۴۴) امام خمینی در این اثر آشکارا در جهت مخالفت با مکتب شیخ مرتضی انصاری و بنابراین مبانی فقهی، سیاسی رهبران مشروطه حرکت می‌کند. این کتاب گرچه به لحاظ فکری به کاشف‌الغطاء، صاحب جواهر و نراقی که طرفداران ولایت سیاسی فقه‌ها هستند تعلق دارد اما تفاوت‌های مهمی نیز با آن‌ها دارد. (فراتی، ۱۳۷۶: ص ۲۴۲)

درس خارج امام در مباحث مطروحه در مکاسب محرمہ شیخ انصاری، همچون معامله با حاکمان ستمگر، کمک به ظالم، پذیرش حکومت جور و مباحثی از این دست مقدمه‌ای شد برای این که ایشان با نگاشتن رساله‌هایی چون «اجتهد و تقليد» و «رساله تقیه» به تبیین فلسفه سیاسی اسلام بپردازد. صریح‌ترین نظریات سیاسی امام در قالب طرح موضوع ولایت فقیه در دروس خارج و سخنرانی‌های ایشان در نجف مطرح شد و در کتابی با همین نام جمع‌آوری گردید و به تأیید ایشان رسید (امام خمینی، ولایت فقیه(حکومت اسلامی): مقدمه ناشر) کوشش امام خمینی در طرح ریزی حکومت اسلامی در قالب مردم‌سالاری دینی، نظریه بدیعی بود که در عصری که روشنفکران خودباخته، عصا زنان، پس مانده افکار سیاسی ایسم‌های شرقی و غربی را

<sup>۱</sup> <http://www.leader.ir/langs/fa/index.php?p=bayanat&id=۷۴۰۸>

بلغور می‌کردد؛ توسط یک فقیه سنتی درس آموخته در حوزه علمیه شیعه صادر شد. و اگر این نوشه فقط به همین یک دستاورده حوزه علمیه در حفظ حیات و استمرار تمدن اسلامی اکتفا نماید، چه بسا حق مطلب را ادا نموده است.

#### ۴-۲-۱- نمونه‌هایی از حرکت‌های سیاسی:

در این رابطه به عنوان نمونه می‌توان به نقش حوزه علمیه حله در حفظ حله<sup>۱</sup>، صدور حکم جهاد شیخ جعفر کاشف الغطاء (متوفی ۱۲۲۲) ریاست حوزه علمیه نجف در جریان دو جنگ قاجار با روسیه، (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ج ۱، ص ۶۱۶) فتوای تحريم تنباكو، (گروه مؤلفان، ۱۳۹۰: ص ۱۲۵) حکم علمای نجف به تحريم کالاهای روسی و جهاد اقتصادی، در پی اولتیماتوم دولت روس در ۱۳۲۹، (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ج ۶، ص ۱۲۸۹) دفاع از تمامیت ارضی مملکت اسلامی در جنگ جهانی اول، اقدامات سیاسی و اجتماعی آیت الله العظمی بروجردی<sup>۲</sup>، حمایت امام از قیام ۱۵ خرداد، ایستادگی مقابل استعمار انگلیس بر عراق پس از جنگ جهانی اول و تشکل سیاسی حزب الدعوه الاسلامیه به رهبری سید محمدباقر صدر، اشاره نمود. (گروه مؤلفان، ۱۳۹۰: ص ۱۲۵ تا ۱۳۴) در این راستا سه برهه در تاریخ ایران نمود بیشتری دارد.

#### ۴-۲-۲- صفویه و مشارکت علمای شیعه:

فقهای جبل عامل نقش مهمی در خط مشی ایران صفویه داشته‌اند. چنانکه می‌دانیم صفویه در رویش بودند. راهی که ابتدا آنها بر اساس سنت خاص در رویش خود طی می‌کردند اگر با روش فقهی عمیق فقهای جبل عامل تعديل نمی‌شد، و اگر وسیله آن فقهای حوزه فقهی عمیقی در ایران پایه گذاری نمی‌شد، به چیزی منتهی می‌شد نظری آنچه در علوی‌های ترکیه و یا شام هست. این جهت تأثیر زیادی داشت در اینکه اول روش عمومی دولت و ملت ایرانی از آن‌گونه انحرافات مصون بماند، و ثانیاً عرفان و تصوف شیعی نیز راه معتمد تری طی کند. (مطهری، ۱۳۵۸: ج ۱۴، ص ۴۴۰)

با نظریه محقق کرکی<sup>۳</sup> مبنی بر نیابت مجتهد جامع الشرائط از امام غائب مشارکت علمای در امور سیاسی و اجتماعی به خصوص در دوران صفویه در مناصب گوناگون همچون صدارت، شیخ‌الاسلامی، قضا و امور حسیبیه به شدت افزایش یافت، محقق کرکی، شیخ‌علی منشار، بهاءالدین عاملی، علینقی بن ابی علاء کمره‌ای، محمد تقی و محمد باقر مجلسی، آقا حسین خوانساری و بسیاری دیگر از علمای به نام حوزه اصفهان در این دوران متصدی مناصب حکومتی و اجتماعی گردیدند. این همکاری‌ها موجب شد که در این دوره از جانب علمای اصفهان کتب و رسالاتی درباره سیاست و آداب مُلکداری و نیز فقه سیاسی

<sup>۱</sup>. پس از غلبه هلاکو بر بغداد (۶۵۶) سیدالدین یوسف بن مطهر پدر علامه حلی (متوفی ۷۲۶) و مجددالدین محمد بن حسن بن طاووس حلی و شمس الدین محمد بن العز به نمایندگی از مردم حله با مکتبی به درگاه هلاکو رفتند و ضون اعلام فرمانبرداری به وی گفتند که خبر پیروزی مغولان را در اخبار اجاد خویش، امامان معصوم شیعه به خصوص امیرمؤمنان شنیده‌اند. ظاهرا این تدبیر علمای حله و آرامش و امنیت متعاقب آن این شهر پناهگاه و مجمع علمای امامیه شد. (رک: گروه مؤلفان، ۱۳۹۰: ص ۱۴۵)

<sup>۲</sup>. از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: تعیین نمایندگانی به عنوان رابط بین خود و حکومت که پیامها یا اعتراضات و تذکرات خود را از طریق آنان به شاه یا مقامات دیگر ابلاغ می‌کرد، مقابله با نفوذ بهائیت در مراکز دولتی، حمایت از مردم فلسطین و صدور بیانیه در این باب در ۱۳۲۷ (سال تأسیس رئیم صهیونیستی)، مسئله اصلاحات ارضی، تعیین سید محمد تقی طالقانی آل احمد و سید احمد لواسانی و سپس شیخ عبدالحسین فقیهی رشتی به ترتیب به عنوان سرپرست شیعیان مدینه، سید زین العابدین کاشانی برای کویت و سرپرستانی برای شیعیان زنگبار، پاکستان، آمریکا و تعیین نماینده سیار در اروپا، تأیید شیخ محمد تقی قمی برای تأسیس دارالتقریب در مصر و به رسمیت پذیرفتن مذهب جعفری در کنار مذاهب فقهی اهل سنت در ۱۳۳۷ ش از جانب شیخ محمود شلتوت، شیخ‌الازهر در پی این اقدام. (گروه مؤلفان، ۱۳۹۰: ص ۴۵)

<sup>۳</sup>. برای مطالعه نقش سیاسی محقق کرکی در حکومت صفویه رک: (جعفریان، ۱۳۸۲: ص ۱۲۲)

و مسائلی چون امر به معروف و نهی از منکر، لزوم رعایت عدالت از جانب حاکم، خراج، جزیه، و حکم نماز جمعه در دوران غیبت نوشه شود. (گروه مؤلفان، ۱۳۹۰: ص ۱۹۴ تا ۱۹۶)

#### ۴-۲-۳- مشروطه

در زمان نهضت مشروطه نیز علی‌رغم تمام پیچیدگی‌ها و بحران‌ها، فعالیت حوزه‌های علمیه و روحانیون، در همه مقاطع به روشی مشهود است. فعالیت سه تن از مراجع تقليد نجف، حضرات آیات حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی، ملا عبدالله مازندرانی و آخوند خراسانی به صورت اعلامیه، نامه، تلگراف و رساله‌های کوچک و بزرگ، (حائری، ۱۳۶۴: ص ۱۲۳) در مقاطع مختلف انقلاب مشروطه همچون اعتراض به سیاست‌های امین‌السلطان وزیر مظفرالدین شاه، درخواست از شاه برای بازگرداندن علماء در مهاجرت کبرا به تهران و دفاع از مشروطه، در این راستا قابل ملاحظه است. (ملک‌زاده، ۱۳۷۱: ج ۱، ص ۲۱۸) آخوند خراسانی به عنوان یک مجتهد کاملاً سیاسی فعالیت‌هایی از قبیل، «تفویت حکومت لارستان از طریق ارتباط با آیت‌الله لاری، ایفای نقش مؤثر در نهضت مشروطیت، اخراج تقی زاده از مجلس ملی، اعلام جهاد بر علیه اولتیماتوم روس در سال ۱۳۲۹ و عزم حرکت برای رهبری جهاد» را در کارنامه سیاسی خود به یادگار گذاشته است. (سید‌کباری، ۱۳۷۸: ص ۳۰۰ تا ۳۰۲) در مقابل، ایستادگی روحانیوتی مانند شیخ فضل‌الله نوری تا پایی شهادت در جریان غرب‌گرانی پس از مشروطه در برابر امثال تقی زاده از نمونه‌های فراموش ناشدنی است.

#### ۴-۲-۴- قیام امام خمینی

نقشه آغاز تقابل بین حوزه قم با دولت، زمانی بود که پهلوی دوم پیام تسلیت رحلت آیت‌الله بروجردی را به جای قم به نجف فرستاد که حکایت از قصد وی برای بیرون بردن مرجعیت از ایران داشت. اقدامات بعدی رژیم، علمای قم، از جمله امام خمینی را ودار به موضع گیری کرد تا اینکه تصویب لایحه انجمان‌های ایالتی و ولایتی (در ۱۴ مهر ۱۳۴۱) در کابینه اسدالله علم که قید اسلام را از شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان حذف کرده و برگزاری مراسم تحلیف با هر کتاب آسمانی صحیح دانسته شده بود، عواطف مردم و علماء را برانگیخت و اعتراضات و مخالفت‌های ایشان را در پی داشت که نهایتاً منجر به عدم اجرای این لایحه شد.

عدم استقبال علماء از شاه هنگام ورود به قم در بهمن ۴۱ کدورت بین دولت و حوزه قم را بیشتر کرد تا اینکه در عید سال ۴۲ و در پی این که امام در اطلاعیه تندی بر علیه رژیم، اعلام کرد که به خاطر تقارن نوروز با شهادت امام صادق امسال عید نداریم، عمال رژیم به مراسم عزاداری امام صادق حمله کرده و تعداد زیادی از مردم و طلاب را مورد ضرب و شتم و حمله قرار دادند که اینکار اعتراض گسترده علماء و مراجع قم و همچنین نجف را در پی داشت.

در محرم ۱۳۴۲ امام خمینی در سخنرانی فیضیه به صراحة مطالبی را بر علیه رژیم بیان کرد که منجر به دستگیری ایشان در شب ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ شد و پس از ۹ ماه در ۱۵ فروردین ۴۳ با تلاش علماء آزاد گردیده و تدریس خود را در قم در منزل خود با موضوع مسائل مستحدثه از سر گرفت، اما پس از سخنرانی بر علیه کاپیتولاسیون مجدداً در ۱۳ آبان ۱۳۴۳ دستگیر و به ترکیه تبعید شد.

پس از تبعید امام، زعمات حوزه قم به دست آیات عظام گلپایگانی، شریعتمداری و مرعشی نجفی افتاد. در همین دوران بود که پس از درگذشت آیت‌الله حکیم دوازده تن از مدرسان قم بر مرجعیت امام خمینی تأکید نمودند. در این دوران ۲۵ نز از مدرسان و علمای قم به مدت سه سال توسط رژیم تبعید شدند. همچنین کوماندوهای رژیم به مراسم بزرگداشت شهدای ۱۳۴۲ که در فیضیه برگزار شده بود حمله و شماری را دستگیر و زندانی یا تبعید نمودند. حوزه قم در این دوران با تغییر تقویم هجری با شاهنشاهی مخالفت نمود.

شهادت حاج آقا مصطفی و انتشار مقاله‌ای توهین آمیز در مورد امام خمینی واقعه‌ای بود که حوزه علمیه را به واکنش شدید علیه رژیم ودادشت که این واکنش هجوم ۱۹ دی مأموران به فیضیه و شهادت و اسارت برخی از طلاب را در پی داشت. تعداد سه هزار و هفت شهید طلب و روحانی، گویای نقش مؤثر روحانیت و حوزه‌های علمیه ایران در به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی و همچنین مقاومت هشت ساله جنگ تحمیلی است. این تعداد از شهدا در بین همه اقشار جامعه بی‌نظیر است. از سوی دیگر حوزه علمیه استان اصفهان با تقدیم پانصد و چهل و سه شهید با لاترین تعداد شهید طلب و روحانی را در کل کشور به خود اختصاص داده است. (کنگره شهدای طلب و روحانی استان اصفهان، ۱۳۸۸: ص ۶۲۵) به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی جایگاه ویژه‌ای را برای حوزه علمیه قم که مادر این انقلاب بود<sup>۱</sup> در پی داشت و کارکرد حوزه را در عرصه داخلی و بین المللی گسترش بخشید. (گروه مؤلفان، ۱۳۹۰: ص ۴۷۵)

### ۳-۴- حوزه‌های علمیه و نظام اقتصادی

آخرین نظام تمدنی که اثرات حوزه‌های علمیه در آن باید مورد توجه قرار گیرد، نظام اقتصادی اسلام است. حوزه‌های علمیه نقش آفرینی خود را در نظام‌های مختلف از طریق نظریه‌پردازی و کشف مسائل و ارائه راهکارها انجام داده و می‌دهند. در زمینه نظام اقتصادی نیز تلاش‌های فراوانی برای اسلامی سازی آن از طریق حوزه و حوزه‌بیان و غالباً در قالب فقه اسلامی صورت گرفته است. بی دلیل نیست که فقهاء اسلامی فقه المعاملات را به عنوان قسمی فقه العبادات قرار داده و به پیروی از قرآن کوشیده‌اند چارچوب‌های روابط اقتصادی آحاد جامعه را تنقیح و تصحیح نمایند. کوشش‌هایی که در فرآیند تکامل خود از کتب‌های هدایه و المقنع شیخ صدوق تا کتب فقهی متأخر ابوابی چون، زکات، خمس، جزیه، کفارات، تجارت، شفعت، رهن، ودیعه، عاریه، شرکت، مضاربه، مزارعه، مساقات، شرکت، لقطه، وقوف، صدقات، نحله، هبه و... را در خود جای داده است. همچنین فقهایی به طور خاص به مباحث اقتصادی اسلام پرداخته‌اند مانند شیخ انصاری کتاب مهم فقهی خود را با همین موضوع و تحت عنوان مکاسب نگاشته است.

دو نکته در اینجا حائز اهمیت است: اول آن که اگرچه منش اساتید حوزه همواره دنیا گریزی و دوری از مطامع دنیوی بوده است. اما این هرگز باعث نشده خود را از پاسخ‌گوئی به مسائل شرعی اقتصادی مردم که مبتلاه به آن‌ها نیز بوده است دور نگهداشته. این آمیختگی در مکان تأسیس مدارس علمیه به خوبی روشن است، زیرا این مدارس معمولاً در مراکز شهرها و نزدیک به بازارها و محل کسب و کار مردم ساخته می‌شده تا مؤمنین بتوانند شیوه‌های صحیح اقتصادی را به کمک علمای اسلام برگزینند.

نکته دوم آن که مهم‌ترین کتاب متأخری که در این زمینه تأليف شده کتاب اقتصادنا اثر شهید محمدباقر صدر می‌باشد که در آن گذشته از احکام جزئی کوشیده شده اقتصاد اسلامی تحت عنوان یک نظام ترسیم گردد. ایشان با پرداختن به مبادی اقتصادی و تشریح انواع مالکیت (خصوصی، عمومی و دولتی) به تشریح تفاهای دیدگاه اقتصادی اسلام با نظام سرمایه‌داری و نیز نظام سوسیالیستی پرداخته است. تحلیل زیر بنا و روبنای اقتصاد اسلامی و تشریح توزیع و عوامل تولید، بهره‌برداری، مالکیت زمین و نقش دولت در تأمین و توازن اجتماعی از جمله مواردی است که این عالم شیعه که دستاورده حوزه‌های علمیه است در این کتاب‌ها بدان اشاره داشته است.

<sup>۱</sup>. نکته اول اینکه حوزه، مادر نظام و تولید کننده آن است. هم مبانی فکری و اعتقادی نظام جمهوری اسلامی محصول علمی و تحقیق حوزوی است و هم بنیانگذار آن در ابتداء و رهبران اصلی آن در ادامه برخاسته از حوزه علمیه‌اند. بنابراین حوزه مجموعه‌ای است که نظام اسلامی هم از جهت فکری و نظری و هم از جهت نیروی انسامی در عالیترین سطح خود بدان وابسته است.

<http://www.leader.ir/langs/fa/index.php?p=bayanat&id=۷۴۰۸>

نتیجه تلاش علمای اسلام در تدوین و تبیین اقتصاد اسلامی در جهت برداشتن فاصله طبقاتی، از بین بردن فقر، پرهیز از تشکیل نظام سرمایه‌داری، حفظ مالکیت خصوصی، ریشه کن نمودن ربا، ترویج قرض الحسنة، گسترش انفاق و صدقات، و هزاران مصدق عام المنفعه وقف و بسیاری از موارد دیگر امروزه به راحتی قابل مشاهده است.

## ۵- نتیجه گیری

وسعت تاریخی، جغرافیائی و موضوعی حوزه‌های علمیه به اندازه حیات کل اسلام است، بنابراین ساده انگاری است اگر بخواهیم برای تحلیل و تبیین نقش حوزه‌های علمیه در حیات و استمرار تمدن اسلامی به نوشتن یک مقاله و یا حتی کتاب بسنده کنیم. اما مطالبی که این نوشته به صورت اجمال بدان‌ها پرداخت، نکاتی را در پی دارد؛

۱. حوزه‌های علمیه به مثابه ستادهای برنامه ریزی و فرماندهی زعمای دین در گسترش و تکامل آموزه‌ها و معارف دینی در زمینه‌های اعتقادات، احکام و اخلاق، در ابعاد فردی، اجتماعی عمل کرده و در این راه از علمای خود و آثار ایشان و ابداع شیوه‌های بدیع کمک گرفته است.

۲. بیشترین کارکرد حوزه‌های علمیه در نظام فرهنگی تمدن اسلامی قابل بررسی و ملاحظه است. زیرا از آن‌جا که فرهنگ یک تمدن، اساسی‌ترین عنصر شکل دهنده آن است، بیشترین تلاش علمای اسلام در جهت شکل‌دهی به مؤلفه‌های فرهنگی به واسطه ترویج علوم، اعتقادات و اخلاق اسلامی صورت گرفت. در اینجا نباید از نقش اساسی فقه اسلامی در این رابطه غفلت ورزید.

۳. باید در نظر داشت که پرداختن به تأثیرات فرهنگی حوزه در زمینه‌های مختلف فرد، خانواده و اجتماع و بیان نمونه‌های آن، خود موضوعی گسترد و قابل تأمل است که نیاز به فرصت وسیعی برای پرداختن به آن دارد.

۴. علوم حوزوی علاوه بر این که نقش بسیار بزرگی در رشد و ارتقای سطح علمی جوامع اسلامی داشته است همواره به عنوان یک پشتیبان برای حفظ هویت جوامع اسلامی در مقابل تهاجمات علمی دیگران عمل نموده است. کلام اسلامی علمی کاربردی در جهت حفظ هویت اسلامی جوامع اسلامی است، همچنین فقه به عنوان شاهکار حوزه‌های علمیه کاربردی ترین علم در بین مسلمانان است.

۵. اجتهاد و مرجعیت به عنوان شیوه کلیدی در حوزه‌های علمیه توансست در طول دوران حیات اسلام مبادی و منابع اصیل و لایتغیر اسلامی را با نیازهای روز انطباق داده و با این وسیله شکوفایی تمدن اسلامی را در پی داشته باشد.

۶. حوزه علمیه در طول تاریخ با توسعه و ترویج اندیشه ولایت فقیه که توسط معصومین القا شده بود بستر ساز گرایش‌های سیاسی فقها را فراهم آورده و زمینه را برای برپائی حکومت‌های اسلامی فراهم آورده‌است.

۷. حوزه علمیه به عنوان محور ثابت جامعه اسلامی و مرکز تجمعی نظرات احیاناً متشطط علماء، همواره توансته علی‌رغم تغییرات سیاسی و اجتماعی جوامع اسلامی، سیر حرکت رو به رشد این جوامع را تضمین و پشتیبانی نماید.

۸. مهمترین دستاوردهای تمدنی حوزه‌های علمیه بر پایه تعالیم اسلام که در طول قرون حیات خود، از صدر تا کنون، نظری را برای آن نمی‌توان یافت برپائی نظام جمهوری اسلامی در ایران بوده است که با همت بلند علمای اسلام، حوزه‌های علمیه و روحانیون غیور و با تقدیم هزاران شهید روحانی و طلبه در کنار دیگر اقشار جامعه به تحقق پیوست.

## منابع :

- [۱] قرآن کریم
- [۲] ابن خلکان. [بی‌تا]. وفیات الاعیان وأنباء أبناء الزمان، (تحقيق إحسان عباس). لبنان: دار الثقافة.
- [۳] ابن عنبه، جمال الدين على. (۱۳۸۰ق). عمدة الطالب في انساب آل أبي طالب، (تحقيق محمد حسن آل الطالقاني). نجف اشرف: منشورات المطبعة الحيدرية.
- [۴] اکبری مطلق، جواد. (۱۱/۱۱/۸۳). «گذرنی بر تشیع تا تشکیل حوزه علمیه قم». خردنامه همشهری، ۸۳/۱۱/۷
- [۵] امین، سید محسن. (۱۴۰۶ق). أعيان الشيعة. بيروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- [۶] آذری، علی. (۱۳۶۲ش). قیام شیخ محمد خیابانی در تبریز. انتشارات صفحی علیشاه.
- [۷] آقلابرگ تهرانی، محمد حسن. (۱۴۰۳ق). الذریعه الى تصانیف الشیعه، چاپ علی نقی منزوی و احمد منزوی.
- [۸] آئینه‌وند، صادق. [بی‌تا]. «حوزه و نقش بایسته آن در تمدن اسلامی». نشریه پژوهش و حوزه. سال چهارم، شماره ۱۵: ص ۸۵-۹۸
- [۹] پسندیده، محمود. (۱۳۸۵). حوزه علمیه خراسان در گذر تاریخ. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- [۱۰] تنظیم و تالیف دفتر مقام معظم (مدیریت ویژه نشر آثار). (۱۳۷۵). حوزه و روحانیت در آیینه رهنماههای مقام معظم رهبری. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- [۱۱] جعفری، محمد حسن. (۱۳۹۰). «جایگاه حوزه علمیه در سیاستگذاری فرهنگی در نظام جمهوری اسلامی ایران». نشریه اسلام و پژوهش‌های مدیریتی. سال اول، شماره اول ، تابستان ۱۳۹۰: ص ۳۳-۵۰
- [۱۲] جعفریان، رسول. (۱۳۵۷ش). تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا قرن دهم هجری. قم.
- [۱۳] جعفریان، رسول. (۱۳۸۲ش). «درآمدی بر مشارکت علماء در ساختار دولت صفوی»، حکومت اسلامی، سال هشتم، شماره دوم، تابستان: ص ۱۲۲-۱۹۴
- [۱۴] جانب اصفهانی، علی. (۱۳۷۱ش). الاصفهان. اصفهان: چاپ عباس نصر.
- [۱۵] جوادی، قاسم و سیدعلی حسنی. (۱۳۸۷). بررسی تاریخ حوزه علمیه حله. فصلنامه شیعه شناسی، سال ۶، ش ۲۱ بهار.
- [۱۶] جوردنی، ریولا. (۱۳۷۷ش). «علمای جبل عامل در دولت صفویه»، (ترجمه مصطفی فضائی). نشریه حکومت اسلامی، سال سوم، شماره اول، بهار: ص ۲۰۸-۲۴۰
- [۱۷] حائری، عبدالهادی. (۱۳۶۴ش). تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق. تهران.
- [۱۸] حجازی، سید علیرضا و سیده بتول احترامی. [بی‌تا]. «تحلیل مفهوم جنبش نرم‌افزاری و تاریخچه تمدن‌سازی در ایران». مجموعه مقالات همایش تولید علم و جنبش نرم افزاری در حوزه معارف اسلامی.
- [۱۹] حسنی، سید حمیدرضا و مهدی علی‌پور ، «حوزه نجف داشته‌ها و بایسته‌ها». نشریه پژوهش و حوزه، سال ۴، ش ۱۶: ص ۴-۱۴
- [۲۰] حلی، ابن ادریس. (۱۴۱۰ق). السرائر لتحرير الفتاوى. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- [۲۱] حلی، جمال الدین حسن بن یوسف. (۱۴۱۱ق). خلاصة الأقوال في معرفة أحوال الرجال. قم: دارالذخائر.
- [۲۲] حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۱ق). کشف الیقین فی فضائل أمیر المؤمنین ۳. تهران: وزارت ارشاد.
- [۲۳] حموی، شهاب الدین ابو عبد الله یاقوت بن عبد الله. (۱۹۹۵م). معجم البلدان. بیروت: دار صادر.
- [۲۴] خاوری شیرازی، فضل الله بن عبد النبی. (۱۳۸۰ش). تاریخ ذی القرنین. تهران: چاپ ناصر افشارفر.
- [۲۵] خوبی، ابوالقاسم. (۱۳۶۹ش). معجم رجال الحديث. قم: مرکز نشر آثار شیعه.
- [۲۶] دارابی، علی. «روحانیون و پویایی فرهنگی ملت ایران». فصلنامه پژوهشی اندیشه انقلاب اسلامی: ص ۸۰-۹۱
- [۲۷] رفیعی مهرآبادی، ابوالقاسم. (۱۳۵۲). آثار ملی اصفهان. تهران: سلسله انتشارات انجمن آثار ملی (۱۰۱).
- [۲۸] رفیق عجم. (۲۰۰۴م). موسوعة مصطلحات ابن خلدون والشريف على محمد الجرجاني. بیروت: مکتبة لبنان ناشرون.
- [۲۹] روح الامینی، محمود. (۱۳۷۹ش). زمینه فرهنگ شناسی. تهران: انتشارات عطار، چاپ پنجم.
- [۳۰] زرینکوب، عبدالحسین. (۱۳۸۹ش). کارنامه اسلام. تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ چهاردهم.
- [۳۱] سجادی، سید جعفر. (۱۳۷۳ش). فرهنگ معارف اسلامی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- [۳۲] سلطانزاده، حسین. (۱۳۶۴ش). تاریخ مدارس ایران از عهد باستان تا تأسیس دارالفنون، تهران: انتشارات آگاه.

- [۳۳]. سید کباری، سید علیرضا. (۱۳۷۸ش). حوزه‌های علمیه شیعه در گستره جهان، تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر.
- [۳۴]. شریف رضی، ابوالحسن محمد بن الحسن الموسوی. (۱۳۸۴ش). نهج البلاعه، (مصحح صبحی صالح)، قم: دارالحدیث.
- [۳۵]. شهید اول، محمد بن مکی. (۱۴۰۷ق). الأربعون حدیثا. قم.
- [۳۶]. صدوق، ابن بابویه. (۱۳۵۹ق). کمال الدین و تمام النعمه. تهران: اسلامیه
- [۳۷]. صلیبا، جمیل. (۱۳۶۶ش). فرهنگ فلسفی (منوچهر صانعی دره بیدی). تهران: انتشارات حکمت، چاپ اول.
- [۳۸]. طبسی، محمد جواد. (۱۳۸۴ش). عاصمة الحضارة الشیعية. [ابی جا].
- [۳۹]. عاملی، محمد بن حسن بن حر. (۱۴۰۹ق). تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه. قم: آل البيت.
- [۴۰]. عسقلانی، احمد بن علی بن حجر. (۱۴۱۵ق). ۸۵۲ الإصابة في تمییز الصحابة، (تحقيق عادل احمد عبد الموجود و علی محمد عوض). بیروت: دارالکتب العلمیة.
- [۴۱]. عقیقی بخشایشی [ابی تا]. «حوزه علمیه قم پایگاه علم و فضیلت و سنگر مبارزه و جهاد». نشریه مکتب اسلام، سال بیستم، شماره ۱۲: ص ۵۳-۵۶
- [۴۲]. فراتی، عبدالوهاب. (۱۳۷۶ش). حوزه علمیه قم عبور از مشروطه و اقبال به حکومت اسلامی. نشریه علوم سیاسی سال دهم شماره سی و نهم و چهلم پائیز و زمستان: ص ۷-۲۷
- [۴۳]. قزلسلفی، محمد تقی. (۱۳۸۲ش). «هنر و سیاست». پژوهشنامه‌ی علوم انسانی و اجتماعی. سال ۳، شماره ۹ و ۱۰: ص ۲۱۳-۲۳۴
- [۴۴]. قمی، حسن بن محمد. (۱۳۶۱ش). تاریخ قم، (ترجمه حسن بن علی قمی). تهران: چاپ جلال الدین تهرانی.
- [۴۵]. کمالی سریلی، عبدالقدار. (۱۳۸۸ش). «سیر تاریخی پیدایش حوزه‌های علمیه». نشریه سخن تاریخ، شماره ۷: ص ۵۸-۷۴
- [۴۶]. کنگره شهدای طبله و رحانی استان اصفهان. (۱۳۸۸ش). شاهدان روحانی. اصفهان: انتشارات وسیان.
- [۴۷]. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۲ش). الکافی. تهران: اسلامیه.
- [۴۸]. گرجی، ابوالقاسم. (۱۳۷۵ش). تاریخ فقه و فقها. تهران: سمت، چاپ اول.
- [۴۹]. گروه مؤلفان. (۱۳۹۰ش). حوزه علمیه، تاریخ، ساختار، کارکرد، تهران: نشر کتاب مرجع.
- [۵۰]. مجلسی، محمد باقر. (۱۳۷۷ش). زندگانی حضرت امام موسی کاظم (ترجمه موسی خسروی). تهران: انتشارات اسلامیه.
- [۵۱]. مجلسی، محمد باقر. [ابی تا]. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (۱۰۷ جلدی). تهران: اسلامیه.
- [۵۲]. مجلسی، محمد تقی. [ابی تا]. لوعام صاحبقرانی (المشتهر بشرح الفقيه). قم: مؤسسه اسماعلیان.
- [۵۳]. مصطفوی، جواد. [ابی تا]. ترجمه اصول کافی. تهران: کتاب فروشی علمیه اسلامیه.
- [۵۴]. مطهری، مرتضی. (۱۳۵۸ش). مجموعه آثار. تهران: صدرا
- [۵۵]. ملک زاده، مهدی. (۱۳۷۱ش). تاریخ انقلاب مشروطیت ایران. تهران.
- [۵۶]. موحد ابطحی، حجت. (۱۴۱۸ق). ریشه‌ها و جلوه‌های تشیع و حوزه علمیه اصفهان در طول تاریخ. اصفهان.
- [۵۷]. مهاجر، جعفر. (۱۴۲۹ق). رجال الانساعرین من المحدثین و اصحاب الائمه عليهم السلام، قم.
- [۵۸]. نجاشی، احمد بن علی. (۱۴۰۷ق). رجال النجاشی. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- [۵۹]. نجفی، محمد حسن. [ابی تا]. جواهر الكلام فی شرح شرایع الاسلام (۴۳ جلد). بیروت: دارالاحیاء التراث العربي.
- [۶۰]. الهاشمي البصري، محمد بن سعد بن منيع. (۱۴۱۴ق). الطبقات الكبرى، (تحقيق محمد بن صالح السلمي). الطائف: مکتبه الصدیق.
- [۶۱]. www.leader.ir